



ایران خانه ماست

در گفت‌وگو با

«محمد جهانشاهی» دبیر کمیته ملی طبیعت‌گردی کشور، «باور عبیری» رئیس جامعه اقامتگاه‌های بومگردی، «حرمت‌الله رفیعی» رئیس هیئت‌مدیره انجمن صنفی دفاتر مسافرتی و جهانگردی

یادداشت‌هایی از

«محمدعلی طالبی» استاندار کرمان، «رضا بهرامی» دبیر اجرایی نخستین جشنواره ملی بومگردی‌های ایران و جمعی از فعالان گردشگری و مدیران اقامتگاه‌های بومگردی کشو



یادداشت

بومگردی، راهی به‌سوی توسعه پایدار روستاها



| محمدعلی طالبی |

| استاندار کرمان |

در هندسه نوین جهانی که هویت، فرهنگ و میراث کشورها به درایی‌های استراتژیک بدل شده‌اند، سرمایه‌گذاری در میراث‌فرهنگی و گردشگری، مؤلفه‌ای اساسی در احیای دیپلماسی فرهنگی و اقتصاد خلاق است. خرسندیم که در کرمان، وسیع‌ترین پهنة در جغرافیای ایران، سرزمینی کهن، دیاری هم‌زاد ما، وطن، میراث‌دار فرهنگی غنی و منابع عظیم انسانی و طبیعی، میزبان نخستین جشنواره ملی بومگردی‌های ایران هستیم.

برگزاری جشنواره ملی بومگردی‌ها با حضور بیش از ۳۰۰ مدیر بومگردی بر سراسر ایران در کرمان، نه‌تنها رویدادی فرهنگی– گردشگری، بلکه جرقه‌ای برای درخشش این استان در افق گردشگری سال ۱۴۰۵ است.

جشنواره بومگردی آیینهای است که زیبایی‌های فرهنگ، طبیعت و مهمان‌نوازی کرمان را به نمایش می‌گذارد و نویدبخش تحولی عظیم در این دیار کهن است. در این مسیر تلاش کرده‌ایم با برنامه‌ریزی هوشمندانه، هدف‌گذاری واقع‌بینانه و تکیه بر گنجینه‌های بومی و مشارکت مردمی، در راستای تثبیت جایگاه بی‌بدیل کرمان در آینده صنعت گردشگری کشور گام برداریم؛ آینده‌ای که در آن مردم، فرهنگ، طبیعت و فناوری در تعامل با یکدیگر ارزش خلق می‌کنند. در سند تحرک‌بخشی به توسعه و تحول جامع استان تحت عنوان «کرمان پرفراز»، گردشگری به‌عنوان رکن بنیادین توسعه پایدار تعریف شده است. ما در کرمان ایمان داریم که گردشگری، پیشران اقتصاد مناطق کم‌برخوردار است. هدف ما قرار دادن کرمان در کانون توجه ملی و جهانی با برگزاری رویدادهای فرهنگی و معرفی ظرفیت‌های منحصربه‌فرد آن است و جشنواره بومگردی اولین گام در این مسیر است. برخلاف گردشگری متداول، بومگردی ریشه در زندگی روستایی، فرهنگ اصیل و حفظ طبیعت دارد. این رویکرد، اقتصاد محلی را شکوفا می‌کند و هویت فرهنگی را احیا می‌سازد.

بومگردی انتخابی فراتر از اقتصاد است؛ راهبردی اخلاقی و انسانی برای آینده‌ای روشن که در آن، روستاها نه‌تنها زنده می‌مانند بلکه به کانون‌های پویای فرهنگی و اقتصادی تبدیل می‌شوند.

جشنواره بومگردی با روایت قصه‌های نوین و ناگفته از روستاهای کرمان، از کویرهای سحرآمیز تا پهنه‌های سرسبز، از معماری سنتی تا آداب و رسوم کهن آن، دروازه‌ای به‌سوی زنجیره‌ای از برنامه‌های تحول‌آفرین در سال ۱۴۰۵ است که کرمان را به مقصدی بی‌همتا در گردشگری مسئولانه تبدیل خواهد کرد.

باور داریم ما به اعتبار هویت مردمی که هزاران سال بر پهنه تاریخ ایستاده‌اند قد می‌کشیم؛ هویتی که بر شالوده‌ای از همبستگی فرهنگی، تاریخ، آیین‌ها و ارزش‌های تمدنی بنا شده است. قد می‌کشیم و با بازیابی جایگاه فرهنگی و تمدنی کرمان، به جایگاهی که در شان مردم این دیار است دست می‌یابیم و شاهد لیخند دنیا به کرمان خواهیم بود.

«لیخند دنیا به کرمان» نه‌فقط یک وعده، بلکه تعهدی است به توسعه‌ای متوازن، پایدار و انسان‌محور. کرمان آماده است تا الگویی الهام‌بخش از توسعه بومی‌گرا و مشارکت‌محور ارائه دهد؛ الگویی که از دل روستاها برخاسته و در صحنه جهانی می‌درخشد. بیایید با هم این سرزمین را به مقصدی برای تجربه‌های ناب و خاطره‌انگیز تبدیل کنیم تا مردم دنیا، کرمان را با تاریخ کهن، فرهنگ پویا و زنده و فرصت‌های طلایی آن بشناسند



| شبنم شکوریان |

| ادیبر ویژه‌نامه |

در دل کوه و کویر، در انتهای جاده‌هایی که در نقشه‌ها محو شده‌اند، خانه‌هایی هنوز روشن‌اند. خانه‌هایی با سقف‌های کاهگل، بوی چای زغالی و خاک باران‌خورده. اینها فقط اقامتگاه نیستند. سنگ به سنگ‌شان پر از خاطره است، پر از ردپای قصه‌ها و امیدهایی که حالا به کارآفرینی محلی و گردشگری گره خورده‌اند.

سال‌هاست که بومگردی، بی‌سروصدا و بدون تکیه بر

نخستین جشنواره ملی بومگردی در کرمان برگزار شد

از دل خاک تا بوم ایران



-

-

ا پیام ما | در قلب دیار کریمان، جایی که آوای فرهنگ بومی در خانه‌های خشتی و عطر طبیعت در کویر لوت طنین‌انداز است، نخستین جشنواره ملی بومگردی ایران با حضور سیدرضا صالحی‌امیری، وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی برگزار شد. این جشن، به بهانه روز ملی بومگردی، نه‌فقط یک گردهمایی که تلاشی است برای به‌تصویق‌کشیدن ریشه‌هایی که هنوز در خاک ماندده‌اند و شاخه‌هایی که به‌سوی آینده قد کشیده‌اند. این آیین، صحنه‌ای است برای درخشش اقامتگاه‌های بومگردی که با بیش از چهار هزار واحد فعال در سراسر ایران، نه‌فقط سقفی برای گردشگران که تپش‌های زنده گردشگری پایدار و پاسدار هویت فرهنگی کشوراند.

📸 تصویر نمادین ایران برپام کرمان

پیش از آغاز رسمی جشنواره، در حرکتی خلاقانه، مدیران بومگردی از سراسر ایران بر فراز بام کرمان گرد هم آمدند؛ جایی که چشم‌انداز شهر در آغوش آسمان قرار دارد. آنان در کنار یکدیگر، زنجیره‌ای انسانی تشکیل دادند که نقشه‌ای نمادین از ایران را با سنگ‌چین بر زمین ترسیم می‌کرد؛ تصویری زنده از وحدت، تعهد و عشق به میهن

این نقشه در بام کرمان گسترده شد؛ استان کرمان با سنگ‌هایی مشخص شده بود که واژه «Kerman» را به زبان لاتین نقش می‌زدند و در جنوب نقشه نیز «Persian Gulf» یا سنگ‌ها جا خوش کرده بود؛ تأکیدی صریح و غرورآفرین بر هویت اصیل این آبراه

لباس‌های رنگارنگ و محلی حاضران، تنوع آب‌وهما و فرهنگ‌های ایران را در خود منعکس می‌کرد. زنانی از دل کوه و دشت، مردانی از دل روستاها آمده بودند و

۲

را نگه داشته و در کنار اسلام، راه روشن تمدن را طی کرده است. در هر گوشه از این سرزمین، اگر کاوشی شود، اثری از تمدن کشف خواهد شد. آن‌چه ایران دارد، از هر ذخیره‌ای در بانک مرکزی ارزشمندتر است؛ فرهنگ و تمدن. ایران نیازی به تمنا از بیگانه ندارد، چراکه در دل خود، میراثی بی‌نظیر دارد. این فرهنگ و تمدن است که باید تقویت، معرفی و بازآفرینی شود.» صالحی‌امیری با اشاره به تمایز زندگی شهری و روستایی گفت: «شما یک کالبد روستایی می‌بینید، اما من اینجا را کانون بزرگ فرهنگی می‌دانم. همه‌ی بومگردی‌های ما در سراسر ایران، کانون‌هایی برای توسعه فرهنگی ایران‌زمین هستند. بهمین دلیل، امروز با پیچیده‌ای رویهرو هستیم به‌نام مهاجرت معکوس. در سال ۱۳۳۵ حدود ۷۲ درصد جمعیت ایران روستایی بود. امروز متأسفانه ۷۲ درصد جمعیت شهری شده‌اند. بومگردی می‌تواند این معادله را در تاریخ ایران تغییر دهد.»

وزیر انتخاب کرمان را به‌عنوان نقطه آغاز این نهضت ستود و گفت: «انتخاب کرمان، هوشمندانه بود. ما از جایی آغاز کردیم که قلب صنایع‌دستی ایران‌زمین است؛ از جایی که ظرفیت عظیم گردشگری دارد. بومگردی، همان مفصلی بود که ما به دنبالش بودیم برای پیوند سه‌گانه‌ی میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی.»

📌 گردشگری، فراتر از اقتصاد

انتوشریان محسنی بندپی، معاون گردشگری

وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی از دیگر سخنرانان این مراسم بود. او با اشاره به نقش چندوجهی صنعت گردشگری در توسعه ملی، تأکید کرد: «گردشگری، صرفاً یک فعالیت اقتصادی نیست؛ بلکه بستری است برای تقویت هویت، پیوندهای اجتماعی، دیپلماسی فرهنگی و ارتقا سلامت روان جامعه.»

معاون گردشگری وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی افزود: «آنچه در کرمان رخ داد، نمونه‌ای عملی از هم‌گرایی فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی در چارچوب توسعه پایدار است. صنایع‌دستی به‌عنوان جلوه‌ای عینی از پیوند هویت با معیشت، نقشی کلیدی در این مسیر ایفا می‌کنند. استان کرمان با پرخورداری از ۱۰ اثر ثبت‌شده جهانی و پنج فرودگاه فعال، قابلیت تبدیل‌شدن به قطب صنایع‌دستی و بومگردی در مقیاس ملی و فراملی را دارد.»

محسنی با قدردانی از ورود بخش خصوصی به حوزه

احیای بناهای تاریخی، اظهار داشت: «از هلدینگ

آفرینش به‌عنوان متولی این پروژه تشکر می‌کنم.

طرح‌ها و نقشه‌های ارائه‌شده، بیانگر رویکردی علمی،

فرهنگی و مسئولانه است که می‌تواند الگویی برای

دیگر مناطق کشور باشد.»

او همچنین با اشاره به شعار توسعه محور استان

کرمان «لیخند دنیا به کرمان ۱۴۰۵» ابراز امیدواری

کرد: «با هم‌افزایی میان دولت، بخش خصوصی و

بخش خنجکتانی استان، این لیخند تا سال ۱۴۰۵ برچهره

یادداشت

کرمان میزبان رؤیاهای گردشگری ایران



| رضا بهرامی |

| دبیر اجرایی نخستین جشنواره ملی بومگردی‌های ایران |

نخستین جشنواره ملی بومگردی‌های ایران در کرمان، نه‌فقط یک رویداد، بلکه جشنی از همدلی و مهمان‌نوازی این سرزمین کهن بود. با افتخار میزبان بیش از ۳۰۰ فعال بومگردی از گوشه‌وکنار ایران بودیم؛ زنانی و مردانی که با ایده‌های خلاقانه و عشق به فرهنگ و طبیعت، در کویرهای سحرآمیز و روستاهای باصفاي کرمان گرد هم آمدند تا آینده‌ای روشن برای گردشگری روستا‌محور رقم بزنند. ما در دبیرخانه جشنواره، با تکیه بر میراث مهمان‌نوازی کرمانی، فضایی پویا، صمیمی و پرپار برای تبادل تجربه و هم‌افزایی خلق کردیم. این جشنواره نقطه‌عطفی در مسیر تحول اقتصاد کرمان است؛ تحولی که ریل اقتصاد این دیار را از تکیه صرف بر معدن و صنعت به‌سوی گردشگری پایدار تغییر می‌دهد. این راهبردی، نتیجه هم‌افزایی بی‌وقفه میان مدیریت ارشد استان، نمایندگان مجلس و بخش خصوصی است. استاندار محترم و نمایندگان مردم در مجلس، با درکی عمیق از ظرفیت‌های گردشگری، این صنعت را به‌عنوان پیشران توسعه پایدار برگزیده‌اند. گردشگری، صنعتی است که نه‌تنها ترفوت‌آفرین است، بلکه با احیای هویت روستایی، تثبیت جمعیت در مناطق بومی و کاهش فشار بر شهرها، آینده‌ای متوازن را نوید می‌دهد. در این مسیر، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و

مردم و بافت تاریخی کرمان بنشیند.»

«کرمان، الگویی ملی برای پیوند میراث و آینده‌نگری در ادامه این مراسم، محمدمعلی طالبی، استاندار کرمان نیز با تأکید بر ظرفیت‌های منحصربه‌فرد این استان گفت: «کرمان استانی است با گنجینه‌ای غنی از آثار تاریخی، تنوع اقلیمی و غنای فرهنگی که در سطح ملی و بین‌المللی کم‌نظیر است. امروز فصل جدیدی در بهره‌برداری هوشمندانه از این داشته‌ها آغاز می‌شود.»

او با اشاره به سند تحرک‌بخشی استان کرمان خاطر‌نشان کرد: «در این سند، گردشگری به‌عنوان محور راهبردی توسعه تعریف شده و ذیل برنامه جامع «سلام دنیا به کرمان ۱۴۰۵»، پروژه‌هایی برای توسعه زیرساخت‌ها، جذب سرمایه و ارتقای برند گردشگری استان در نظر گرفته شده است.» استاندار کرمان همچنین از مشارکت بنگاه‌های اقتصادی بزرگ استان در بازسازی خانه‌های تاریخی استقبال کرد و گفت: «ورود بخش خصوصی، عاملی تعیین‌کننده در ارتقای ظرفیت‌های اقامتی، بهسازی بافت‌های تاریخی و تثبیت جایگاه کرمان به‌عنوان مقصدی اصیل و پایدار در عرصه گردشگری است.» طالبی در پایان با تأکید بر حمایت همه‌جانبه مدیریت ارشد استان از طرح‌های میراثی و گردشگری، گفت: «این آیین، نقطه عزیمت کرمان به‌سوی جایگاهی شایسته‌تر در نقشه گردشگری ایران است و با تدابیر امی مسیر، قطعاً شاهد اتفاقات مبارکی خواهیم بود.»

رئیس اتاق بازرگانی استان کرمان نیز در این مراسم از وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی خواست در سفرش به کرمان، یک برنامه توسعه رویداد‌محور برای این استان طراحی و از این طریق این استان بیش از پیش به کشور و جهان معرفی شود

سیدمهدی طیبی‌زاده در مراسم افتتاح اولین جشن ملی بومگردی‌های ایران، کرمان را میزبان شایسته‌ای برای تحولی بزرگ در صنعت گردشگری معرفی کرد. برنامه دومین روز این جشن شامل بازدید مدیران بومگردی از مناطق گردشگری و اقامتگاه‌های بومگردی در شهرستان‌ها و بخش‌های شهداد، رابن، مازان، بم، رفسنجان و کرمان است. این رویداد ملی روز جمعه با برگزاری مراسم اختتامیه به پایان خواهد رسید.

📌 امید زنده است

اینجا در کرمان، جایی که آفتاب بی‌منت می‌تابد و خانه‌ها هنوز خانگی‌اند، امید هنوز زنده است؛ امید به اینکه بومگردی تنها یک مدل اقتصادی نیست، بلکه راهی است برای ماندن، برای بازسازی، برای حفظ اصالت در دنیایی که مدام فراموشی می‌کند

بومگردی و احیای بناهای تاریخی، امروز به دو راهبردی کلیدی در آینده گردشگری ایران تبدیل شده‌اند؛ راه‌هایی که نه‌فقط اقتصاد، بلکه فرهنگ و هویت را نجات می‌دهند

فانتزی گراهای سرگردان خانه مادر بزرگه!

کرد و مدام بزرگ و بزرگتر شد. کار به‌جایی رسید که هر کسی با مجوز و بی‌مجوز برای خودش بومگردی دست‌وپا کرد. مسافران طبقه متوسط از بومگردی‌ها استقبال می‌کردند. فقط بحث گذشته‌گرایی نبود. بومگردی‌ها به مسافران آزادی بیشتر می‌دادند و بیشترشان هزینه‌های کمتری داشتند؛ اما نه خبری از برنامه‌های مستقل بود و نه دیدگاه‌های کارشناسی در وزارت عریض‌وطویل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی

نحوه دادن مجوزها و حتی وام‌های حمایتی اصول مشخصی نداشت. هر جا می‌رفتی دیگر همه بومگردی داشتند. یک‌بار خانه زنی در سبزوار رفتم که یک اتاقش را به‌عنوان بومگردی به مسافران می‌داد، بدون اینکه آن را حتی تمیز کند؛ چون اعتقاد داشت مسافران باید تجربه نابی از خانه‌های قدیمی «مادر بزرگه» داشته باشند. نام بومگردی‌اش اما خیلی جذاب بود، چیزی در ماهیه‌های بومگردی نه‌فقط! یک‌بار در جاده کوهپایان به کرمان مردی را دیدم که یک سازه سیمانی درست کرده بود که سالن‌های بزرگ و دراز داشت شاید نامش بود، بومگردی «احمدآقا بامعرفت». اسامی بسیاری از این بومگردی‌ها در سایت‌های «جاباما»، «اتاقک»، «هممان‌شو» و… معرفی می‌شوند که نشانی بومگردی دارند؛ اما درواقع هیچ ندارند. جالب این است که اتفاقاً خیلی‌هایشان مجوز رسمی دارند. مسافران فانتزی‌خواه گذشته‌گرا هم از همین آدرس‌ها به ناکجا‌آبادها می‌رسند. مشکلات اما به همین‌جاها ختم نمی‌شود. در برخی از

یادداشت



| فاطمه علی‌اصغرا |

| سردبیر |

«آنها همه‌چیز را با هم می‌خواهند، خانه قدیمی که

در آن یاد گذشته‌ها کنند و پرت شوند به خاطر طبل خانه مادر بزرگشان، آن‌هم با آخرین امکانات هتل پنج‌ستاره.» زینب در دل کویر مصر که رساندن آب به آن خودش ماجراست، مانده است چه کند؟ او بین فانتزی‌گراهای سرگردان گیر افتاده. هر روز یک خواسته جدید به فهرست بلندبالایش اضافه می‌شود. سرویس خواب مجهز با سرویس بهداشتی لوکس در دورافتادترین روستاهای ایران بدیهی‌ترین نیازشان است. برخلاف آنها مسافران خارجی هستند، آنها می‌آیند که زندگی را زیر نور آفتاب بدور از نشانه‌های زندگی مدرن تجربه کنند. درست و غلط ماجرا را هیچ‌کس نمی‌داند

برای پاسخ‌دادن به این سؤال، شاید باید به گذشته بازگشت. به خاستگاه نخستین بومگردی‌های ایران که از دل کویر برخاسته است. آتشی در حیاط خانه‌ای کاهگلی در روستای «گرمه» برپا شد و دل دوستداران طبیعت و میراث را شاد کرد. کویری‌نیاری که با همسر فرانسوی‌اش به ایران بازگشت و ایده جدیدی را با خود آورد، این ایده مخاطبان بسیاری پیدا کرد؛ بدون اینکه سازمان بعدها وزارتخانه میراث‌فرهنگی به گرد آن برسد. این عقب‌ماندگی در کنار استقبال ناگهانی فانتزی‌گراهای گذشته‌خواه همه را غافلگیر کرد. متولی وجود نداشت، پس همه‌چیز روی خطوط سرگردانی پیش رفت. این سرگردانی بسط پیدا

این خانه هنوز روشن است

نبود زیرساخت‌های مناسب، از جاده‌های ناهموار تا قطعی برق و کمبود آب، مسیر توسعه بومگردی را دشوار کرده‌اند. هزینه‌های سنگین مرمت خانه‌های سنتی، از دیوارهای خشتی تا سقف‌های چوبی، اغلب از توان میزبانان محلی خارج است و حمایت‌های دولتی، یا ناکافی‌اند یا در پیچ‌وخم بوروکراسی گم می‌شوند

ضعف در بازاریابی دیجیتال هم چالشی جدی است. بسیاری

یادداشت

از پنل‌های خورشیدی برای تولید برق گرفته تا سیستم‌های جمع‌آوری و بازیافت آب. این راهکارها، نه‌فقط هزینه‌ها را کاهش می‌دهند، بلکه بومگردی را به الگویی برای گردشگری پایدار تبدیل می‌کنند

جشن ملی بومگردی در کرمان می‌تواند بهانه‌ای برای ترسیم تصویری واقعی و چندوجهی باشد از آنچه در این مسیر می‌گذرد؛ روایتی از چالش‌ها تا مسیریایی که می‌توانند این صنعت بومی را به نقطه‌ای پایدار، پویا و مؤثر در اقتصاد محلی و ملی برسانند. بومگردی، اگر جدی گرفته شود، می‌تواند راهی باشد برای احیای روستاها، خلق فرصت‌های تازه و ساختن آینده‌ای که در آن «ماندن» دیواره معنا پیدا می‌کند

از میزبانان، با وجود تجربه و مهمان‌نوازی، نمی‌دانند چطور اقامتگاه خود را به گردشگران معرفی کنند. نه به زبان انگلیسی مسلط‌اند، نه با پلتفرم‌های جهانی آشنایی دارند. اینجاست که فناوری می‌تواند معادله را تغییر دهد. پلتفرم‌های داخلی رزرو، درصورت طراحی حرفه‌ای و آموزش میزبانان، می‌توانند بومگردی‌های کوچک را به شبکه گردشگری ملی و حتی جهانی متصل کنند. ابزارهایی ساده مثل نرم‌افزارهای مدیریت مهمان یا دوره‌های آموزشی شبکه‌های اجتماعی، اگر درست طراحی و اجرا شوند، می‌توانند کیفیت خدمات و دیده‌شدن اقامتگاه‌ها را متحول کنند. در کنار این، فناوری‌های سبز هم می‌توانند به کمک بیایند:

برای برندسازی «روز بومگردی» برنامه‌ریزی کنیم



محمد جهانشاهی

«محمد جهانشاهی» نامی آشنا در حوزه گردشگری ایران است؛ مردی که بیش از سوابق مدیریتی‌اش، با ایده‌های نو و دغدغه‌هایش برای توسعه پایدار گردشگری شناخته می‌شود. از روزهایی که به عنوان معاون گردشگری و رئیس پایگاه میراث جهانی بیابان لوت در کرمان فعالیت می‌کرد تا زمانی که سکان اداره کل میراث فرهنگی استان سمنان را برعهده داشت و حالا که در جایگاه معاون گردشگری داخلی و دبیر کمیته ملی طبیعت‌گردی کشور فعالیت می‌کند، جهانشاهی همواره نگاهی متفاوت به گردشگری داشته است. در سال‌های اخیر نام او بیشتر با مفهوم «گردشگری سبز» و ایده «راه ادویه» گره خورده است؛ مسیری که به دنبال احیای جاده‌های تاریخی تجارت ادویه و پیوند فرهنگ‌ها و جوامع محلی است. اما شاید یکی از مهم‌ترین دستاوردهای او ثبت روز ۳۱ اردیبهشت به عنوان «روز بومگردی» در تقویم رسمی کشور است. او در گفت‌وگو با «پیام ما» درباره ایده این کار صحبت کرده و از چالش‌ها و چشم‌اندازهای بومگردی ایران گفته است.

۱۳۱۴ که اداره‌ای تحت عنوان «امور جهانگردی» در وزارت کشور وقت تشکیل شد. طی این ۹۰ سال ما فراز و فرودهای زیادی رویه‌رو بوده است؛ ابتدا مسافرخانه‌ها، هتل‌ها و رفته‌رفته دفاتر خدمات مسافرتی، پلاژها و پیست‌های اسکی به جمع تأسیسات و مراکز گردشگری پیوستند. امروز ما در کشورمان ده‌ها نوع از خدمات گردشگری داریم که هرکدام جدا از نحوه مواجهه قانونی و فرهنگی، براساس نمونه‌های بین‌المللی شکل گرفته‌اند و از یکسری استانداردهای وارداتی پیروی می‌کنند. در این میان نزدیک به دو دهه است که با نوع خاصی از فضاهای گردشگری مواجه هستیم که از دل اقامتگاه‌های متناسب با محیط طبیعی یا به اصطلاح اکولوژها برخاستند، اما به واسطه تنوعی

گفت‌وگو



گفت‌وگو

گفت‌وگو با «یاور عبیری»، رئیس جامعه اقامتگاه‌های بومگردی

بومگردی در مسیر پایداری

در دل کویر سوزان اما دل‌فریب کرمان، جایی که باد بر خاک هزارساله می‌وزد، کاروان بومگردی ایران منزل می‌کند. جشن ملی بومگردی‌ها قرار است در این پهنه فرهنگی و طبیعی برگزار شود؛ رویدادی که نه‌فقط گردهمایی فعالان گردشگری، بلکه نمودی از پیوند انسان با طبیعت و هویت بومی است. «یاور عبیری»، رئیس جامعه اقامتگاه‌های بومگردی، در گفت‌وگو با «پیام ما»، از دلایل انتخاب کرمان به‌عنوان میزبان این جشن می‌گوید؛ استانی که به‌گفته او با تنوع اقلیمی، معماری منحصربه‌فرد و استقبال روزافزون گردشگران، شایسته چنین رویدادی است. او همچنین به چالش‌های فرهنگی، ضرورت حفظ ریشه‌های بومی و تلاش‌های صورت‌گرفته برای بهبود کیفیت خدمات می‌پردازد و درباره استفاده از انرژی‌های پایدار در اقامتگاه‌ها و راهکارهای غلبه بر موانع موجود سخن می‌گوید.

چاپ‌خانه فراهم کرده است. به همین دلیل، کرمان به‌عنوان میزبان جشن ملی بومگردی‌ها انتخاب شده است. در مورد رویدادهای بومگردی‌ها که در شهرهای مذکور برگزار شده، باید بگوییم آنها سمینارهای علمی-آموزشی بودند که با حضور استادی برجسته‌ای برگزار شد که همکاران ما در اقامتگاه‌های بومگردی در این سمینارهایی آموزشی شرکت می‌کردند تا آموزش لازم برای حرفه خود را کسب کنند. اما این برنامه که در کرمان اجرا می‌شود، اولین جشن ملی بومگردی‌ها به مناسبت روز ملی بومگردی‌ها است. این رویداد خوشبختانه پارسال در تقویم

امروز ادامه داشته و یکی از دلایل مهم شکل‌گیری ایده روز بومگردی در تقویم کشور، همین درگیری ذهنی و بیرونی من با اقامتگاه‌های بومگردی و داستان‌هایش بوده است. محیطی که عامل مهمی در شکل‌گیری بخش قابل‌توجهی از روابط اجتماعی و نیز عملکرد حرفه‌ای من تا به امروز بوده است.

این ایده چطور مطرح شد؟ سابقه طرح موضوع و پیش‌زمینه آن چه بود؟

واقعیتش این است که پیش‌زمینه‌ای نداشت. پیش‌ازاین، مناسبت‌های گردشگری در کشور ما به دو روز محدود می‌شدند. یکی، روز «جهانگردی» که هر سال در ابتدای مهرماه مصادف با ۲۷ سپتامبر است که سابقه‌ای چنددهه‌ای دارد. دیگری، روز «راهنمایان گردشگری» که چندساله است هم‌زمان با روز جهانی راهنمایان در ۲۱ فوریه و اول اسفند گرمی داشته می‌شود. هر دوی این مناسبت‌ها بخش مهمی از رفتارهای جمعی و مناسبتی گردشگری کشور را شامل می‌شوند و هر ساله برنامه‌های مختلفی در سراسر کشور به این مناسبت‌ها برگزار می‌شود. در سال‌های اخیر به‌ویژه بعد از کرونا، شاهد نگاه جدی‌تری به بومگردی‌ها در کشور هستیم. سابقه فعالیت این خانه‌ها به اواخر دهه ۷۰ برمی‌گردد، اما ساختارمند شدن آنها در دهه ۸۰ و با تلاش جمعی از فعالین این بخش که تعداد زیادی هم نبودند، انجام گرفت. «مهندس کپارش اقتصادی» ایده خانه‌های بومی ایران را که بعدتر با نظر صاحبان این کسب‌وکار تازه «خانه‌های بومگردی» نامیده شد، در اواسط دهه ۸۰ مطرح کرد. در دهه ۹۰ با تلاش کارشناسان معاونت گردشگری و کمیته ملی طبیعت‌گردی و با مشارکت فعالان این حوزه که تعدادشان رفته‌رفته زیاد شده بود، آیین‌نامه نحوه ایجاد اقامتگاه‌های بومگردی تصویب و ابلاغ شد. از آن تاریخ به‌بعد شاهد یک جهش بزرگ و گسترده در شکل‌گیری اقامتگاه‌های بومگردی در کشور بودیم تا جایی که براساس آمارها، اکنون نزدیک به چهار هزار اقامتگاه که بیش از ۸۰ درصد آنها در محیط‌های روستایی هستند، پروانه بهره‌برداری دارند. اگرچه نقدهای جدی به کمیت و کیفیت این اقامتگاه‌ها وارد است، اما در مجموع به‌دلیل ماهیت و نقشی که در گسترش گردشگری در کشورمان داشته‌اند و نوع خاصی از کسب‌وکارهای کوچک را شکل داده‌اند، بخش مهم و قابل‌دفاعی در گردشگری کشور هستند. همین فعالیت‌ها باعث شد در سال‌های اخیر، شاهد حضور جدی‌تری آنها در رویدادها و مناسبت‌ها باشیم. وقتی احساس کردم امکان طرح این ایده وجود دارد، در یکی از جلسات کارگروه ناگهانی تقویم کشور، موضوع را با اعضا در میان گذاشتم و همان ابتدا متوجه شدم اگر جدی بپیکری بود، امکان ثبتش وجود دارد

این جلسه چه سالی بود؟

۱۴۰۲ حدوداً همین روزهای سال بود. برنامه‌های مختلفی توسط معاونت گردشگری و دفتر توسعه گردشگری داخلی برگزار می‌شد و بومگردی‌ها هم نقش مهمی در بسیاری از آنها داشتند

پیشتر مگر این شرایط وجود نداشت؟ یا توجه به اینکه در نمایشگاه‌های گردشگری مخصوصاً نمایشگاه تهران، حضور بومگردی‌ها را دیدیم.

بله وجود داشته است و از دهه ۹۰ تا به امروز رفته‌رفته بومگردی‌ها حضور جدی‌تری در رویدادها داشته‌اند. اما یکی-دو سال اخیر، کمی این حضور گسترده‌تر و متنوع‌تر بود. شاید تجربه‌های پیشین من، به‌خصوص زمانی که به‌عنوان معاون فرهنگی شهرداری کرمان، مسئولیت کمیته نامگذاری معابر شهری را داشتم، در شکل‌گیری این ایده مؤثر بود و در ارزیابی زمانی، موقعیت را مناسب دیدم

واکنش‌ها به طرح این ایده چگونه بود؟

زمانی که این ایده را مطرح کردم، قرار بود یک برنامه مشترک بین وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی و وزارت ارشاد با حضور سفرای خارجی مقیم ایران برگزار شود. می‌دانستم برای پیشبرد کار، نیازمند فضا سازی هستیم و این برنامه می‌توانست شرایط را برای خلق این مناسبت فراهم کند. در این برنامه، جمعی از بومگردی‌ها حضور داشتند.

بعد از اتمام آن برنامه و در جلسه بعدی کارگروه نامگذاری که با حضور دکتر امامی، دبیر شورای فرهنگ عمومی، برگزار شد، بحث حضور بومگردی‌ها را در برنامه مذکور پیش کشیدیم و گفت‌وگوهایی خوبی شکل گرفت، اعضا هم نسبت به موضوع واکنش مثبتی داشتند. در همین فضا، موضوع اختصاص یک روز از سال را به بومگردی مطرح کردم و احساس کردم اگر جدی و در چارچوب فرایند انجام گیرد، شانس تصویب دارد موضوع را با آقای عبیری، رئیس جامعه بومگردی کشور، در میان گذاشتم و پس از طراحی سناریو، متن درخواست و محورهای کلیدی را با هم فکری تنظیم کردیم و به دفتر معاونت گردشگری ارسال شد. با نظر مثبت و موافق معاون وقت گردشگری، دکتر شالابی‌فان، درخواست این روز به دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی داده شد و یک درخواست مستقیم هم از طرف جامعه بومگردی‌ها ارسال شد. با پیگیری‌های مداوم، مرحله‌به‌مرحله از این ایده دفاع شد تا نهایت به صحن شورای فرهنگ عمومی رسید. البته که همواره برای تصویب و درج این مناسبت‌ها در تقویم رسمی کشور، ملاحظاتی

وجود دارد. مثل ایجاد توقع در سایر بخش‌ها و افزایش درخواست‌ها و حتی گاهی فشارهایی که بر متولیان وارد می‌آید. مثلاً درخواست برای درج روز «دماوند» همچنان موفق به اخذ رأی نشده یا روز «پرندنگری» که از طرف فعالان این حوزه پیگیری جدی می‌شود، زمان زیادی برده و هنوز به تصویب ناپس رسیده است و بسیاری موارد دیگر. به‌رحال، خوشبختانه با پیگیری جدی جامعه بومگردی و از آن مهمتر تلاش‌های مؤثر معاون گردشگری، نهایت امر در شورای فرهنگ عمومی تصویب شد و می‌توان گفت اولین مناسبت اختصاصی گردشگری کشور، فارغ از مناسبت‌های جهانی گردشگری است و جای خوشحالی دارد که از دل یک جریان بومی بر آمده است. امیدوارم ادای دین مناسبی باشد به تلاش‌های فراوانی که ۲۰ سال گذشته پیرامون این جریان ارزشمند گردشگری کشورمان توسط افراد و گروه‌های مختلف انجام پذیرفته است

این مناسبت می‌تواند چه تأثیری بر گردشگری کشور به‌ویژه در حوزه بومگردی داشته باشد؟

قاعداً یک فرصت و یک زمینه خواهد بود برای انسجام بیشتر و بهره‌برداری برای تثبیت و توسعه این بخش و بخش‌های مرتبط می‌توانست مثل اسکان‌هایی که گذشته چنین مناسبتی نباشد و حتی امکان داشت در روزهای آخر با توجه به شرایط از دستورکار خارج شود، به‌ویژه اینکه ما به‌دنبال اردیبهشت بودیم، زمانی که تقریباً در کل کشور شرایط برای سفر و حضور در بومگردی‌ها فراهم است. با وجود این، امروز ما این مناسبت را داریم و شاهدیم که به همین بهانه تعداد زیادی از فعالان و مدیران بومگردی از سراسر کشور در کرمان جمع می‌شوند و برنامه‌های مفصلی طرح‌ریزی شده است. روز بومگردی برآمده از تلاش‌های فراوان در طول سال‌های متعددی است. چه توسط حامیان و دغدغه‌مندان این حوزه و چه از زان و مردانی که این اقامتگاه‌ها به‌واسطه زیست‌بوم‌شان شکل گرفته است.

این فرصت می‌تواند رفته‌رفته و سال‌به‌سال با جلب نظر و مشارکت بخش‌های مؤثر، حمایت‌های جدی‌تری را برای گردشگری کشور به‌ویژه در بخش بومگردی به‌همراه داشته باشد. باید برای برندسازی و تقویت این مناسبت برنامه‌ریزی کرد. پیش‌بینی می‌کنم در آینده به میزبانی استان‌های مختلف، شاهد شکل‌گیری جریان‌های تازه و خلاقانه‌ای در همین مناسبت باشیم. تحقق این هدف مرا بسیار خرسند می‌کند؛ زیرا همواره خودم را با تحقق ایده‌هایم می‌سنجم.

بوده؟ بنظر شما اقامت در بومگردی‌ها بدلیل علاقه گردشگران به تجربه زندگی روستایی است یا تنوع در نوع اقامت؟

خوشبختانه ذائقه مردم به‌سمت اقامتگاه‌های بومگردی سوق پیدا کرده است. مردم دوست دارند به محیط‌های آرام بروند و تجربه زندگی روستایی را داشته باشند. بسیاری از مردم با اقامت در بومگردی درواقع تجربه بازگشت به گذشته را تجربه می‌کنند و برای آنها حس نوستالژیک دارد. اقامت در بومگردی‌ها برای گردشگران هم لذت تجربه زندگی روستایی را می‌سازد و هم به‌دلیل وجود گوناگون، تنوع در فرهنگ و آداب و رسوم، معماری، اقلیم، خوراک، لباس، مذهب و... برای گردشگران جالب و چشمگیر است. بومگردی‌ها هم در روستاها هستند، هم در شهرها و هم در بافت‌های تاریخی و انواع گوناگون دارند که براساس سلیقه گردشگر برای اقامت انتخاب می‌شوند. به‌طور مثال، بومگردی در سیستان با بومگردی کردستان تفاوت‌های بسیار دارد و این عامل جذابیت در اقامتگاه‌های بومگردی است

آیا امکان دارد که با حضور بیش‌ازحد گردشگر در بومگردی‌ها هویت بومی آنها از بین برود؟

ما اگر بر کیفیت آموزش بومگردی‌ها دقت و تأمل بیشتری اعمال کنیم، شاهد ارتقای کیفیت بومگردی‌ها هستیم و رفاه کامل گردشگران را تأمین می‌کنیم. باتکیه بر آموزش و برنامه‌ریزی، می‌توان هویت بومی اقامتگاه‌ها را نیز حفظ کرد

خب در این میان، تضاد فرهنگی میان گردشگران و جامعه محلی و بومگردی‌ها رخ نمی‌دهد؟ در صورت بروز این تضاد چطور باید با آن مواجه شویم؟

همکاران ما در بخش تورگردانی و راهنمای تور باید به‌گونه‌ای آموزش دیده باشند که این موضوع را به افراد در تور آموزش دهند که وقتی وارد جامعه بومی می‌شوند، به آداب و فرهنگ جامعه بومی احترام بگذارند. در بسیاری موارد می‌بینیم نوع پوشش محلی به‌دلیل جذابیتی که دارد، روی مسافران تأثیر می‌گذارد که گردشگران همان لباس‌ها را می‌پوشند، یعنی باعث افتاب گردشگران به پوشش محلی می‌شود. این‌هم یک اثر مثبت فرهنگی است و هم خرید این لباس‌ها اثر مفید اقتصادی بر جامعه بومی دارد

در سال‌های اخیر استقبال گردشگران و تورها برای اقامت در بومگردی‌ها چطور

دهیاری‌ها و جامعه بومی دارند، آیا برنامه‌های برای آموزش آنها و انتقال این آموزش‌ها از طریق بومگردی‌ها به جامعه بومی شده است؟

ما برای بحث آموزش اهمیت ویژه‌ای قائلیم. ما در صددیم با آموزش به بومگردی‌ها رضایت میهمانان خود را در بالاترین سطح تأمین کنیم و به‌دنبال ارتقای استانداردها و جهانی‌کردن سطح خدمات‌رسانی در بومگردی‌ها هستیم. بومگردی‌ها، به‌دلیل جاذبه‌های فراوان، پتانسیل بسیار بالایی دارند، ما باید از این ظرفیت نهایت استفاده را برای رشد گردشگری کنیم. بسیاری از بومگردی‌ها ارتباط با جامعه محلی را در پیش گرفته‌اند و شکل‌گیری این ارتباط باعث موفقیت آنها در عملکرد خود می‌شود. این تعامل میان بومگردی‌ها و جامعه محلی و سود رساندن آنها به جامعه محلی باعث شکل‌گیری ارتباط مثبت و قوی بین این دو می‌شود. از سویی، باید شهرداری و دهیاری‌ها آموزش ببینند و همکاری قوی‌تر و دوجانبه‌ای بین آنها پدید آید که این، منجر به رشد صنعت گردشگری می‌شود

باتوجه به مشکلاتی که در حال حاضر در تأمین برق در کشور با آن مواجه هستیم، بومگردی‌ها برای خدمات‌رسانی به میهمانان خود چطور با این معضل رویه‌رو می‌شوند؟ آیا شما به‌دنبال استفاده از انرژی‌های پایدار و تجدیدپذیر، برای برون‌رفت از این بحران برای بومگردی‌ها هستید؟

مسئله قطعی برق مشکل بسیار بزرگی برای بومگردی‌ها است که تأثیر منفی بر خدمات‌رسانی آنها به گردشگران دارد. باید به‌دنبال رادخل اساسی در سطح ملی باشیم. ما مکتوباتی انجام دادیم، حتی به خود رئیس‌جمهور نامه دادیم و تقاضا کردیم وزارتخانه و بانک‌ها به مردم وام‌های کم‌بهره و تسهیلات دهند تا مردم بتوانند به‌سمت پنل‌های خورشیدی و تولید برق بروند که هم برق مورد نیاز خودشان را تولید کنند و هم مازاد آن را به شبکه سراسری برق منتقل کنند. امیدواریم در آینده نزدیک این اتفاق عملی شود؛ چون این امر کمک شایان توجهی به شکل‌گیری گردشگری سبز و ارتقای استانداردهای بومگردی‌ها به سمت‌وسوی استانداردهای جهانی می‌کند

به‌طور کلی بومگردی‌ها در جریان

فعالیت‌هایشان با چه چالش‌ها، معضلات و مشکلاتی رویه‌رو هستند؟ آیا بومگردی‌ها با دستگاه‌های اجرایی مشکل و درگیری دارند؟

از مهم‌ترین چالش‌ها، سختگیری‌های شدید دستگاه‌های اجرایی و نظارتی، مانند اداره اماکن، بهداشت، وزارت گردشگری و... بر بومگردی‌هاست که دائماً در معرض بازخواست، جریمه و پلمب واحد خود هستند. از سوی دیگر، ما شاهد بردی بی‌سبب اقامتگاه‌های غیررسمی که نظارتی هم بر آنها وجود ندارد، هستیم. آنها به‌دلیل عدم رعایت یکسری از محدودیت‌ها، بیشتر مورد استقبال مردم قرار دارند و این مسئله، کسب‌وکار بومگردی‌ها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. وقتی افراد بدون پروانه اشتغال و رعایت قوانین درآمد بیشتری دارند، دیگر اصلاً به‌دنبال تمدید پروانه نمی‌روند. ما باید به‌نحوی عمل کنیم که افراد تشویق شوند به‌صورت قانونی کار کنند و افتخار کنند که مجوز دارند، نه اینکه این امر عامل دافعه برای کسب‌وکارها باشد. موضوع دیگر، تأخیر پلتفرم‌های رزرو اقامتگاه‌های بومگردی، در پرداخت پول صاحبان اقامتگاه‌ها است. آنها قبل از ورود مسافر پول را دریافت می‌کنند؛ اما با ۲ تا ۴ ماه تأخیر به اقامتگاه‌ها پرداخت می‌کنند. این، مشکل بزرگی را برای آنها رقم زده است و اگر این روال ادامه پیدا کند، ما مقدمات خروج اقامتگاه‌های بومگردی از این پلتفرم‌ها را آغاز می‌کنیم

اگر امکان وضع یک قانون برای فعالیت‌های بومگردی‌ها وجود داشته باشد، شما چه قانونی را پیشنهاد می‌دهید؟

در حال حاضر توم و شرایط اقتصادی بر سفرها تأثیر منفی گذاشته است. ما پیشنهاد داریم ارگان‌های دولتی و سازمان‌ها بخشی از بودجه‌شان را برای سفر پرسنل خود در نظر بگیرند، یعنی با بومگردی‌ها قرارداد ببندند، بن‌کارت‌هایی برای اقامت در بومگردی‌ها تهیه شود، تا پرسنل آنها بتوانند به‌راستی در تیی فضاها اقامت داشته باشند و تعداد سفرها افزایش یابد. این موضوع هم باعث ایجاد شادابی و سلامت در بین کارکنان می‌شود، هم چرخ صنعت گردشگری می‌چرخد. متأسفانه سفر از سید برخی خانوارها است. اولویت مردم هزینه‌های ضروری‌ترشان شده است و سفر اولویت خود را در بین جمعیت زیادی از هموطنان از دست داده است

چالش‌های صاحبان اقامتگاه‌های بومگردی در ایران

از خاموشی برق تا تغییرات اجباری



امتیاب جودکی | روزنامه‌نگار

در روستایی بی‌برق در دل کوه‌های کرمان، میان خانه‌ای خست‌وگلی شاهرود، یا اقامتگاهی بومی کنار دریا، هرکجا که نام بومگردی بر سر در خانه‌ای نقش بسته، روایتی پنهان است؛ روایتی از رؤیای زندگی آرام و اصیل در دل طبیعت که امروز در سایه مشکلات اقتصادی، تغییرات بی‌ضابطه، نگاه تجاری و بی‌توجهی به اصالت‌های فرهنگی، به محاق می‌رود. این گزارش، از دغدغه‌های صاحبان بومگردی‌ها می‌گوید؛ از آنان که میان ماندن و رفتن، میان اصالت و درآمد، گرفتارند.

من پیام می‌دهند که برگرد. مهم این است که ما چه اثری در روستا می‌گذاریم. اگر به چیزهایی که اعتقاد داریم، پایبند باشیم، بومگردی راه خود را پیدا می‌کند. اشکالی ندارد که این روند کند پیش می‌رود، مهم پایداری است.»

بعد از گذشت ۱۵ سال از راه‌اندازی اولین اقامتگاه‌ها و رونق گرفتن این شکل از گردشگری، امروز وضع عوض شده است. این فعال حوزه گردشگری، این تغییرات را چندان مثبت نمی‌داند، به‌ویژه به دلیل گردشگری انبوه و افزایش شمار اقامتگاه‌هایی که به ضابطه‌ها و اهداف اولیه بومگردی‌ها توجهی ندارند. به گفته او امروز حتی احیای خانه‌های روستایی هم رو به تشریفات رفته و به لحاظ اقتصادی دیگر ممکن نیست

تقدیمی به نگاه اقتصادی صرف به اقامتگاه‌های بومگردی نقد دارد و می‌گوید: «حتی وزارت میراث‌فرهنگی هم امروز به بومگردی‌ها نگاه هتلی دارد. اوضاع توری عوض شده که بعضی روستاها دیگر حاضر نیستند که غریبه‌ها را به شکل قبل بپذیرند و شاهد سیل گردشگران به منطقه بکرشان باشند. گردشگری انبوه با اهداف اولیه بومگردی‌ها هم‌راستا نیست. ما سه اتاق داریم و ترجیح می‌دهیم ۸-۷ نفر بیشتر را نپذیریم. پذیرفتن انبوه مهمان باعث می‌شود فقط مشغول پذیرایی شوید و از معاشرت با آن‌ها و البته اهالی روستا جا

🔴 «نورخونه»: بومگردی‌ها رو به تشریفات رفته است

منیر تقدیمی، اوایل دهه ۹۰ خانه‌ای متروکه را در روستای قلعه‌بالای شاهرود احیا کرد و بعد از واگذاری آن به روستای پاده در آرادان رفت و «نورخونه» را بر پا کرد. او جزو اولین نفراتی بود که اقامتگاه بومگردی راه انداخت. هدفش این بود که بافت فرسوده روستایی آباد شود، اشتغال‌زایی شود، مردم دلگرم شوند و در روستا بمانند و آن‌ها که رفته‌اند، دوباره برگردند. همین‌طور هم شد. امروز اما اوضاع کمی عوض شده است

او حالا می‌گوید: «گرانی توری است که همان کمتری به اقامتگاه‌ها می‌آید. تهیه غذای باکیفیتی که همیشه در نظر داشته‌ام، دشوارتر از همیشه است. با این وضع، چقدر می‌توانم نرخم را بالا ببرم؟ مهمانانی که به اینجا می‌آیند، اغلب دانشجو و با درآمد متوسط‌اند. تلاش می‌کنیم با آن‌ها راه بیابیم. با همه مشکلات سعی می‌کنم به بهترین شکل از آن‌ها پذیرایی کنم و محیط خوبی برایشان فراهم کنم. هرچند دست آخر فایده مالی چندانی برایم ندارد.»

تقدیمی تأثیر اقامتگاه‌های بومگردی در روستاها را مهم می‌داند. برای خودش برقراری ارتباط با اهالی مهم است و از نو ساختن روستا. بعد از رونق گرفتن بومگردی او در قلعه‌بالا، اقامتگاه‌های دیگری هم در این روستا به راه افتاده است. «هشت سال پیش از قلعه بالا به پاده آمدم و حالا به

ولی الان به‌راحتی نمی‌شود ادامه داد؛ چون برق نداریم. گرم است. باید کولری روشن باشد که مسافر اذیت نشود. تا دو کیلومتری ما برق کشیده‌اند؛ اما روستای ما هنوز برق ندارد. برق‌کشی هم دوندگی دارد. برق اینجا باید از شهر بانک بیاید. باید امتیاز برق داشته باشیم و ده، پانزده مالک دیگر

در همسایگی درخواست بدهند تا رسیدگی شود. اگر نشد هم به این فکر می‌کنم که پنل خورشیدی بگیریم، هرچند قیمت گرفته‌ام و گران است.»

🔴 «قیه راویز»: برق نیست، اقامتگاه تعطیل است
دغدغه‌های فعالان این حوزه گاهی متفاوت از یکدیگر است. مثل اقامتگاه بومگردی «قیه راویز» در کرمان که به دلیل قرارگیری در منطقه‌ای روستایی، اکنون در فصل گرم، بدون برق نمی‌تواند پذیرای مهمان باشد و فعالیتش را به‌کلی تعطیل کرده است

حسین دره‌کردی به «پیام ما» می‌گوید: «شرایطمان جوری شده است که از پنج، شش ماه پیش تعطیل کرده‌ایم. مشکلاتی شخصی برایم به وجود آمد که دیگر از این کار خسته شدم. اینجا خانه شخصی ماست اما اگر شرایط بهتر شد، شاید دوباره برگردیم.» راویز ساکنان دائمی ندارد. با گرم شدن هوا اغلب به نقاط دیگر کوچ می‌کنند. در فصل گرم، فقط آن‌ها که کشاورزی دارند برمی‌گردند و دیگران، وقتی هوا خنک شد. «وقتی هوا خنک است وضعمان بهتر است؛



پیش از بهره‌برداری و در ادامه، تغییراتی است که به‌دلیل اعمال سلیقه‌های شخصی مدیران و خواست مسافران در اقامتگاه‌ها ایجاد می‌شود. این تغییرات هم خرج مضاعفی روی دست فعالان این بخش می‌گذارد و هم بومگردی‌ها را از اصالت پیشینشان دور می‌کند
او می‌گوید: «از یک‌طرف منطقه آزاد قشم برای صدور مجوز پول می‌گیرد. از طرف دیگر شبکه بهداشت به‌رغم وظایفش برای بازدید از اقامتگاه و بررسی وضعیت هفت میلیون تومان دریافت می‌کند، تازه معلوم نیست جواب مثبت می‌دهد یا نه. بعد از همه این‌هاست که طبق نظر مسئولان می‌خواست مردم باید تغییرات دیگری ایجاد کنیم. مشکل بومگردی در کشور ما این است که خیلی از مردم و مسئولان بومگردی را نمی‌شناسند. آن‌ها می‌خواهند استانداردهای مسافرخانه یا هتل‌های

سه ستاره را در بومگردی اعمال کنند؛ مثلاً می‌گویند چرا تخت ندارید؟ یا اینکه آشپزخانه باید هود داشته باشد. ما مدام باید توضیح بدهیم که بومگردی مطبخ می‌خواهد نه آشپزخانه مدرن. بعد از کرونا خیلی از مردم وقتی به بومگردی می‌آیند، دیگر کف‌خوابی را نمی‌پذیرند، سرویس بهداشتی بیرون از اتاق را نمی‌پذیرند. از آنجا که ضابطه درستی هم تعریف نشده است، خیلی از بومگردی‌ها تا مجوز بگیرند، ناچار به تغییر دوباره می‌شوند و اقامتگاه از ساختار اصلی بومگردی خارج می‌شود.»
«خانه دوست» هم هنگام با این خواسته‌ها رفته‌رفته تغییر کرده است. این اقامتگاه سال اول راه‌اندازی ۱۰ اتاق کف‌خواب داشت؛ اما امروز به همه اتاق‌ها تخت اضافه شده است. او می‌گوید: «الان که بعد از عید است، فقط اتاق‌های مستر اقامتگاه مسافر دارد. اتاق‌های دیگر، بومی‌تر و سنتی‌تر است؛

استانداردهای ویژه این نوع مراکز اقامتی، از ما توقع استانداردهای هتلی دارند که با توجه به شرایط بومی و ویژگی‌های خاص بومگردی، این امکان برای ما فراهم نیست.»

اما تا چندی پیش، بومگردی‌ها برای دریافت مجوز یا تمدید آن، باید دوره مدیریت عمومی تأسیسات گردشگری را نیز می‌گذراندند و با شرکت در آزمون، در صورت قبولی مجوز دریافت می‌کردند؛ دوره‌ای که مستلزم صرف زمان و هزینه بسیار برای صاحبان اقامتگاه‌ها بود

با بازار گردشگری دچار ورشکستگی و یا تعطیلی شده‌اند. باید گفت از بومگردی واقعی یا تفکر به توسعه پایدار گردشگری، هم‌اکنون تنها یک فضای به‌عنوان جای خواب گردشگر باقی مانده؛ نه روحی در بومگردی‌ها مانده، نه اصالتی. برخی واحدها هم که بر اصالت بومی خود پایبند بوده‌اند، متأسفانه مخاطب خاص دارند و فعالیت آن‌ها توجه اقتصادی ندارد.»

آن گردشگری پایدار که قرار بود با آشنایی عمیق گردشگران با مردم بومی نیز ایجاد شود، گویا بیش‌ازپیش دوزخ‌نهم به نظر می‌رسد. گلشن در این باره تصریح می‌کند: «باتوجه به سرعت و شتاب در سبک سفر مسافران، فرصتی برای گفتگو و تبادل نظر با میزبان بومگردی باقی نمی‌ماند و قشعه‌های بومگردی‌ها، شنیده نمی‌شود. حالا اکثر مسافران به شنیدن موسیقی با صدای بلند در طبیعت و محیط روستا روی آورده‌اند که آسیب‌های بسیاری بر فرهنگ بومی و طبیعت وارد می‌کنند؛ به این‌ها، رهاکردن زیاده در طبیعت را نیز اضافه کنید و تمام این مشکلات از چشم بومگردی‌ها دیده می‌شود.»

🔴 اخذ مجوز یا هفت‌خوان رستم؟

اما یکی از چالش‌های همیشگی بومگردی‌ها، فعالیت بدون مجوز برخی واحدها است. به گفته رئیس جامعه انجمن‌های حرفه‌ای اقامتگاه‌های بومگردی ایران، در هر روستا به‌ازای یک بومگردی دارای مجوز، ۱۰ بومگردی غیرمجاز وجود دارد. عبیری، ریشه این آسیب را در دردسرهایی می‌داند که پس از اخذ مجوز متوجه بومگردی‌ها می‌شود: «بومگردی‌هایی که مجوز می‌گیرند باید به نهادهای مختلف پاسخگو باشند؛ از اماکن گرفته تا بهداشت، وزارت میراث‌فرهنگی، تأمین اجتماعی و غیره. این در حالی است که واحدهایی که مجوز ندارند، به‌راحتی مهمان می‌پذیرند و این سختی‌ها نیز متوجهشان نیست.»

دشواری‌های دریافت مجوز و همچنین دردسرهای داشتن مجوز تا آنجا جدی بوده که به گفته عبیری، در سال ۱۴۰۲ حدود ۷۰۰ بومگردی از چرخه فعالیت با مجوز خارج شده و مجوز خود را تمدید نکرده‌اند. در این خصوص، مالک یکی از قدیمی‌ترین اقامتگاه‌های بومگردی ایران به «پیام ما» می‌گوید: «فرایند دریافت مجوز به گونه پیچیده و زمان‌بر است که برای ما چالش جدی ایجاد می‌کند. این در حالی است که کارشناسی که برای ارزیابی و صدور مجوز اقامتگاه‌ها را بررسی می‌کنند، بدون در نظر گرفتن

بسی رنج بردند در این سال ۲۰

ترازودی بومگردی

از آن روزهایی که مفهوم «بومگردی» و به‌ویژه «اقامتگاه بومگردی» در ادبیات گردشگری ایران زاده شد، حالا نزدیک به دو دهه می‌گذرد. پیش‌گامان بومگردی در ایران، بیش از یک دهه، یعنی از اواسط دهه ۱۳۸۰ تا اواسط دهه ۱۳۹۰ شمسی سخت تلاش کردند تا بومگردی را به فرزند تنی گردشگری تبدیل کنند؛ درست زمانی که بخش‌های مختلف، به‌ویژه هتل‌داران، اقامتگاه‌های بومگردی را تهدیدی جدی علیه کسب‌وکار خود می‌دانستند و شمشر را برای این کسب‌وکارهای بومی از رو بسته بودند؛ غافل از اینکه نه مشتریان بومگردی، مشتری هتل می‌شوند و نه برعکس.

سال‌ها زمان برد تا خوشه‌سازی که با گرد هم آمدن بومیان و صاحبان بومگردی‌ها از سراسر کشور شکل گرفته بود، به بار بنشیند و در نهایت، انجمنی شکل گیرد تا حافظ منافع این صنف باشد؛ به نام «جامعه انجمن‌های حرفه‌ای اقامتگاه‌های بومگردی ایران». حالا بعد از دو دهه، «بومگردی» یک روز در تقویم هم دارد؛ اتفاقی که کمک می‌کند این مفهوم بیشتر در جامعه شناخته شوند.

اما همان‌طور که مسیر شناخته‌شدن مفهوم بومگردی در گردشگری ایران تاکنون هموار نبوده، ادامه مسیر هم چندان هموار نیست. چالش‌های عمده‌ای این بخش را تهدید می‌کند؛ توسعه بی‌ضابطه و ناپایدار، نبود استانداردهای شفاف و عملی، نبود نظارت دقیق و تخصصی، فقدان زیرساخت‌ها در جوامع بومی و... تنها بخشی از چالش‌هایی است که این روزها بومگردی را تهدید می‌کند.

🔴 بازوی گردشگری پایدار، قطع می‌شود؟

بومگردی قرار بود بازوی گردشگری پایدار باشد؛ اما شاید آن زمان که رئیس سازمان سابق میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، در هر مصاحبه و گردهمایی حرف از راه‌اندازی ۲ هزار اقامتگاه بومگردی در کشور می‌زد، به این فکر نکرده بود که آینده این توسعه کمی، چطور می‌تواند بالای جان کیفیت بومگردی شود. حالا اگرچه رؤیای «۲۰۰۰ بومگردی در ایران» به حقیقت پیوسته و حتی این عدد دوبرابر هم شده، اما تبدیل به کابوسی برای فعالان بومگردی و حتی گردشگران شده است

به گفته «پاور عبیری» رئیس جامعه انجمن‌های حرفه‌ای اقامتگاه‌های بومگردی ایران، در حال حاضر بیش از ۳ هزار و ۷۰۰ بومگردی در کشور فعالیت می‌کنند. این عدد البته، صرفاً تعداد اقامتگاه‌هایی است که با مجوز در حال کار هستند. در این میان، استان مازندران بیشترین بومگردی‌ها را دارد و استان‌های اصفهان، کرمان، فارس و یزد نیز در میان



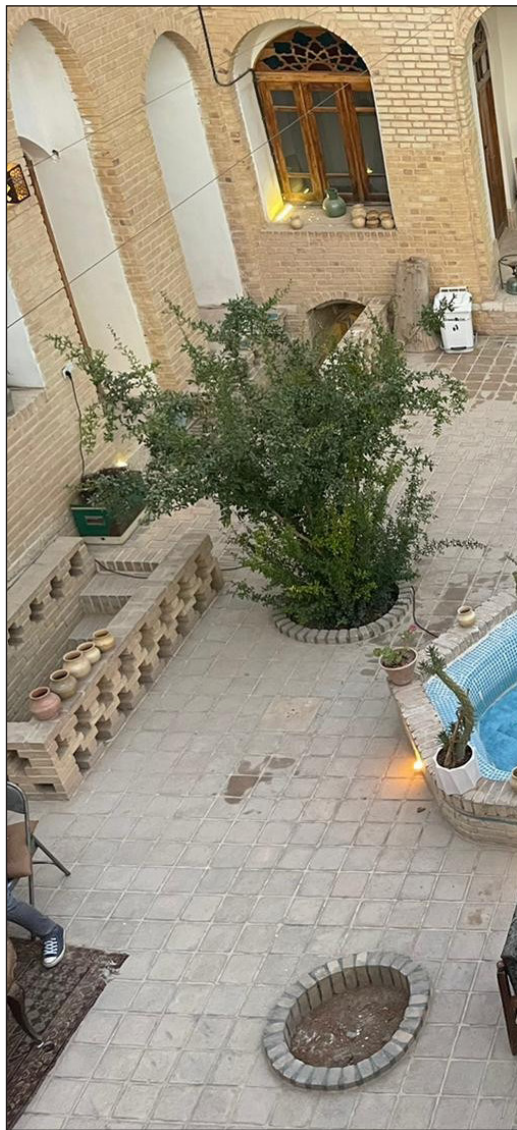
ایرستو فخراییان | روزنامه‌نگار

صاحبان بومگردی‌ها نه تنها اغلب مهاجرت معکوس به روستاها کرده‌اند، بلکه با اشتغال‌زایی مانع مهاجرت افراد بومی به شهرها شده‌اند



۵ استان نخست از لحاظ تعداد اقامتگاه بومگردی قرار گرفته‌اند
عبیری درباره توسعه کمی این شکل از مراکز اقامتی به «پیام ما» توضیح می‌دهد: «روند افزایش تعداد بومگردی‌ها، روندی بسیار سریع بود و اگر جلوی آن را نمی‌گرفتیم، این تعداد از ۸ هزار مورد هم می‌گذشت! اما تلاش داریم تا به‌جای کمیت روی کیفیت تمرکز کنیم.»
به گفته این فعال بومگردی، بخشی از این اقامتگاه‌ها نیز بومگردی واقعی نیستند و باید غریبال شوند: «در این راستا، در تلاشیم تا موضوع آموزش به فعالان این حوزه را به‌صورت کاربردی دنبال کنیم و نظارت و ارزیابی را نیز متناسب با اقتضائات بومگردی از سوی جامعه بومگردی اجرایی کنیم.»
«احسان گلشن» از مالکان یکی از اقامتگاه‌های بومگردی در استان گلستان، نیز درباره آسیب‌های توسعه کمی بومگردی‌ها به «پیام ما» می‌گوید: «ایده ۲۰۰۰ بومگردی، زمانی مطرح شد که تعداد این واحدها در کل کشور ۱۲ مورد بود و منصور نبوندد که تعدادش

به بیش از ۴ هزار واحد برسد. در یک بازه زمانی، بدون امکان‌سنجی و ظرفیت‌سنجی روستاها و جوامع بومی، مجوزهای بسیاری تحت عنوان بومگردی صادر شد.»
بررسی‌های میدانی ما نشان می‌دهد صدور بخشی از این مجوزها، بر اساس روابط و رانت در استان‌ها شکل گرفته؛ به‌گونه‌ای که در برخی استان‌ها، واحدهای بومگردی دارای مجوزی وجود دارند که از ابتدایی‌ترین استانداردها بی‌بهره‌اند. این اقامتگاه‌ها اغلب در دوره‌ای وارد چرخه ارائه خدمت شده‌اند که مسئولان دولتی برای افزایش تعداد بومگردی‌ها و اضافه‌کردن آن‌ها به فهرست عملکرد خود، مسابقه می‌داند
درعین‌حال، تخصیص وام‌های کم‌بهره نیز بهانه دیگری بوده تا مجوزهای بی‌ضابطه به نام بومگردی، برای برخی واحدهای اقامتی صادر شود؛ وام‌هایی که البته به فعالان واقعی بومگردی کمتر تعلق گرفته است
از سوی دیگر، نتیجه توسعه کمی بومگردی‌ها، ورشکستگی یا تعطیلی برخی از آن‌ها به دلایل مختلف بوده است. گلشن در این باره می‌گوید: «اقامتگاه‌های بسیاری وجود دارند که به‌خاطر عدم ارتباط‌گیری



توسعه روستا

اما مسافران خواهان اتاق‌های مستر هستند. به همین خاطر دارم فکر می‌کنم بقیه را هم تبدیل به مستر کنیم و سرویس بهداشتی اضافه کنیم. با وجود همه این تغییرات، از نگاه این راهنمای گردشگری بومگردی در خیلی از نقاط کشور از اهداف اولیه خود دور شده است، حال آنکه در صورت «حمایت دولت، ارائه تسهیلات و تبلیغ فعالیت بومگردی‌ها» می‌شد مقابل این تغییرات مقاومت کرد. در عوض منطقه آزاد که متوجه این بازار شده، هزینه تمديد مجوز را از ۵۰۰ هزار تومان به ۵ تا ۱۰ میلیون تومان رسانده است. آخر اقامتگاهی با سه اتاق در یک روستا چطور این هزینه را بدهد؟ در سرزمین اصلی، از طرف میراث‌فرهنگی به اقامتگاه‌هایی که با مرمت و احیای خانه‌های تاریخی و قدیمی به راه می‌افتد، وام‌های چهاردرصدی و وام‌های کلان بدون بهره تعلق می‌گیرد. اما این اتفاق در قشم نمی‌افتد. اقامتگاه من مال ۸۵ سال پیش است اما وامی به من تعلق نگرفت.»

اسماعیلی به این اشاره می‌کند که رسالت بومگردی حفاظت از آیین‌ها و بوم است. «بوم یعنی محیط‌زیست.

حسین دره‌گردی |

مدیر بومگردی «قبیه راوز» |

وقتی هوا خنک است وضعمان بهتر است ولی الان به‌راحتی نمی‌شود ادامه داد چون برق نداریم. گرم است. باید کولری روشن باشد که مسافر اذیت نشود. تا دو کیلومتری ما برق کشیده‌اند اما روستای ما هنوز برق ندارد

مجتبی اسماعیلی |

مدیر بومگردی «خانه دوست» |

بومگردی رسالتش حفظ محیط‌زیست است؛ یعنی استفاده از ابزار و مصالحی که با اقلیم سازگار است. استفاده از تکنولوژی‌های پایدار و سبز. من بارها پیگیری اضافه‌کردن پنل خورشیدی بوده‌ام، اما نتوانسته‌ام تسهیلاتی بگیرم

توسعه روستا

بومگردی رسالتش حفظ محیط‌زیست است؛ یعنی استفاده از ابزار و مصالحی که با اقلیم سازگار است. استفاده از تکنولوژی‌های پایدار و سبز. او بارها پیگیری اضافه‌کردن پنل خورشیدی بود اما نتوانسته تسهیلاتی بگیرد که به کمکش بیاید

«اسد» گردشگر خارجی نداریم

اقامتگاه بومگردی اسد در روستای سهیلی جزیره قشم، دیگر به‌ندرت مسافر دارد. «اسد دریایی» در اقامتگاهش میزبان گردشگران خارجی است؛ اما امسال فقط یک مسافر لهستانی داشته و اکنون که فصل گرما رسیده، دیگر خبری از گردشگر نیست. او می‌گوید: «در این سال‌ها به‌دلیل بحرانی‌بودن وضعیت منطقه، مسافر به‌شدت کم شده است؛ نهایت هر یکی دو ماه، یک نفر. وضعیت خراب است. مسافر خارجی نمی‌آید.»

اقامتگاه اسد، غرب جزیره است، جایی که روستایی و از حیاهو به‌دور است و گردشگران ایرانی چندان اقبالی به آن نشان نمی‌دهند. «مسافران داخلی نگاه دیگری به اقامتگاه دارند و آزادی‌های خاص می‌خواهند. اما ما در خانواده‌ایم، مسافر می‌آید که چند روزی فرهنگ

ما را ببیند و شکل زندگی‌مان را تجربه کند. این مدل گردشگری بین گردشگران داخلی چندان هواخواه ندارد. به همین دلیل هدف من از ابتدا جذب توریست‌های خارجی بود و با اینکه اوضاع تغییر کرد، سمت گردشگران ایرانی نرفتم. همچنان معتقد بودم مسافر می‌آید، برای همین منتظر ماندم. وقتی مسافر نیامد کارهای دیگری کردم؛ مکانیکی، نصب کولر و از این کارها.»

«حاج قوام»؛ **نداشتن برنامه برای مهمانان، شکست بومگردی است**

قرار بود اقامتگاه «حاج قوام»، نوروز ۹۹ افتتاح شود؛ اما کار تا اواسط سال بعد طول کشید. «سعید احمدی» که حامی تاریخی را از دل این خانه ۲۰۰ساله بیرون کشیده از سختی‌های راه‌اندازی این اقامتگاه، این‌طور می‌گوید: «آجرفرش کردن ورودی خانه داشت تمام می‌شد که کرونا آمد. برای احیای خانه، ۲۵۰ میلیون تومان وام گرفته بودم که تا آن زمان تمام شده بود. هنوز ۵۰ میلیون تومان دیگر خرج داشت. نمی‌دانستم چه کنم. معلوم نبود کرونا کی تمام می‌شود. حسابی به مشکل خوردیم و آن سال کار تمام نشد. نوروز ۱۴۰۰ به‌سختی راه افتاد؛ اما تا مرداد، همه‌گیری و محدودیت‌ها همچنان ادامه داشت تا اینکه بالاخره کار اصلی شروع شد. اوضاع الان بهتر شده است. فقط مشکل این است که برای تکمیل بخش‌های دیگر بنا، دیگر پول مازدی ندارم.»

اقامتگاه حاج قوام میان کوه‌باغ‌های روستای خیبری در شهر گناباد است. سعید ادامه می‌دهد: «قبل از اینکه بخواهم این خانه را تبدیل به اقامتگاه بومگردی کنم، کوه‌باغ‌ها و همه چیز به چشم عادی بود. دیدن اقامتگاه‌های دیگر گناباد نگاهم را عوض کرد و تصمیم گرفتم علاوه بر احیای بنا، حمام تاریخی را از زیر خاک بیرون بکشم. فکر می‌کردم با هزینه کمی جمع می‌شود، همه چیز برعکس تصورم پیش رفت. حتی وام متمم ۱۰۰ میلیون‌تومانی گرفتم؛ اما همان موقع، ۲۰ میلیون بابت قسط‌های عقب‌افتاده کم کردند و ۸۰ میلیون به من تعلق گرفت. بنایی که حداقل ۲۰۰ سال قدمت دارد از زیر خاک درآمده و من عمرم را پایش گذاشتم؛ اما با این وضع اقتصادی هنوز تکمیل نشده است.»

گناباد شهر پیری است. سعید می‌گوید جوانان از اینجا رفته‌اند؛ چون شغلی نیست. «همه تصور می‌کنند که شغل فقط صنعت و معدن و کارخانه است. همه گردشگری را مهم نمی‌بینند.» وقتی در سال ۹۵ اولین اقامتگاه‌ها راه افتاد، مردم به‌خوبی استقبال کردند. «انگار یادآوری گذشته برای مردم خوشایند بود، غذاهای سنتی فراموش‌شده احیا شدند، صحبت از آیین‌های گذشته بود. همه این‌ها خوب است.» اکنون با افزایش تعداد اقامتگاه‌ها او معتقد است باید کار به شکلی تخصصی‌تر پیش برود. «اگر هر اقامتگاهی نتواند نقشه و برنامه مشخصی برای مهمانانش داشته باشد و مثل مسافرخانه به بومگردی‌اش نگاه کند، موفق نخواهد بود. مسئله اصلی اقامتگاه‌ها همین گردش و هم‌نشینی با مهمانان و به‌اشتراک‌گذاری داشته‌های فرهنگی. داشتن خلاقیت مهم است. بی‌توجهی به این موضوع با افزایش تعداد بومگردی‌ها می‌تواند این خطر را به وجود بیاورد که نگاه اقتصادی به این نوع گردشگری به آن ضربه بزند.» مصداق این

اسد دریایی |

مدیر اقامتگاه «اسد» |

در این سال‌ها به‌دلیل بحرانی‌بودن وضعیت منطقه، مسافر به‌شدت کم شده است؛ نهایت هر یکی دو ماه، یک نفر. وضعیت خراب است. مسافر خارجی نمی‌آید

سعید احمدی |

مدیر اقامتگاه «حاج قوام» |

داشتن خلاقیت مهم است. بی‌توجهی به این موضوع با افزایش تعداد بومگردی‌ها می‌تواند این خطر را به وجود بیاورد که نگاه اقتصادی به این نوع گردشگری به آن ضربه بزند

افق‌ها در مه

نبود افقی روشن در مورد سودآوری اقامتگاه‌های بومگردی، تصمیم‌گیری را برای سرمایه‌گذاران دشوار کرده است



میلاد رحیمی |

مدرس و فعال گردشگری |

یادداشت

یکی از دغدغه‌مندی‌های اصلی ما در حوزه گردشگری، به‌ویژه در بخش اقامتگاه‌های بومگردی، چالش‌های فراوانی است که این اقامتگاه‌ها با آن روبرو هستند. مهم‌ترین مشکل این است که سرمایه‌گذاران به دلیل عدم اطمینان از برگرداندن سرمایه‌گذاری خود و درآمد قابل‌پیش‌بینی، دچار تردید می‌شوند. نبود یک افق روشن در مورد سودآوری این اقامتگاه‌ها، تصمیم‌گیری را برای سرمایه‌گذاران دشوار می‌کند. در این شرایط، این سؤال مطرح می‌شود که آیا گردشگری کافی در آن منطقه وجود دارد که موجب اقامت در این اقامتگاه‌ها شود یا خیر

جاذبه‌های گردشگری محلی به‌طور مستقیم بر این مسئله تأثیر دارد. فردی که تصمیم به ساخت یک اقامتگاه می‌گیرد، باید این عوامل را به‌دقت بررسی کند. علاوه بر این مراحل، فرایند دیوان‌سالاری پیچیده و وقت‌گیر نیز باعث سردرگمی سرمایه‌گذاران می‌شود

یک سرمایه‌گذار باید با نهادهایی مانند دهیاری‌ها، میراث‌فرهنگی، سازمان منابع طبیعی، فرمانداری و دیگر ادارات همکاری کند. متأسفانه، به دلیل آموزش ناکافی در میان این نهادها، فرایند تعامل گاه به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. به‌عنوان مثال، من به‌عنوان یک سرمایه‌گذار، نهایتاً قانون را رعایت می‌کنم، بلکه قصد ندارم به محیط‌زیست آسیب بزنم؛ اما برخی قوانین برای ساخت‌وساز، الزاماتی دارند که واقعا عملی نیستند. به‌عنوان نمونه، قانون منع ساخت دیوار به‌دور محوطه اقامتگاه‌ها باید قابل‌انعطاف باشد

احداث و بهره‌برداری از چنین اقامتگاه‌هایی می‌تواند به اقتصاد محلی کمک کند و گردشگری را رونق بخشد. این مسائل نشان‌دهنده نیاز به بحث و تبادل نظر بین نهادهای اجرایی مختلف است. با برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی و ایجاد اجماع در میان ارگان‌های درگیر، می‌توان به نتایج مثبتی دست یافت. در نهایت، همکاری مؤثر بین نهادهای مرتبط و انعطاف‌پذیری در مجوزها و فرایندهای ساخت و بهره‌برداری، می‌تواند به رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی منجر شود و همچنین روند مهاجرت را کند کرده و آسیب‌های زیست‌محیطی و اجتماعی را کاهش دهد



یادداشت

رقابت نابرابر در گردشگری روستایی

الزاماتی که کارشناسان برای دریافت یا تمديد مجوز وضع کرده‌اند زمینه را برای شکل‌گیری رقابتی ناسالم میان اقامتگاه‌های مجوزدار و خانه‌های اقامتی فاقد مجوز فراهم کرده است



مهدی سماواتی |

فعال گردشگری |

اقامتگاه‌های بومگردی پدیده‌ای نو ظهور در صنعت گردشگری ایران‌اند که برای ادامه فعالیت خود، بیش از هر چیز، نیازمند توجه و حمایت نهادهای اجرایی مرتبط هستند. در غیر این صورت، چالش‌ها و موانع پیش‌روی آن‌ها می‌تواند مسیر توسعه این حوزه را مسدود کند. یکی از اصلی‌ترین مشکلات اقامتگاه‌های بومگردی، فرایند زمان‌بر و پرجاش صدور و تمديد مجوز فعالیت آن‌هاست. این مجوزها اغلب توسط کارشناسانی صادر می‌شود که آشنایی کافی با شرایط واقعی این اقامتگاه‌ها ندارند و همین مسئله باعث فشار مضاعف بر صاحبان آن‌ها می‌شود. این در حالی است که در همان روستا، برخی دیگر از ساکنان، خانه‌های شخصی خود را بدون مجوز رسمی در اختیار گردشگران قرار می‌دهند و درآمدزایی می‌کنند.

گردشگران، به دنبال سادگی، آرامش و فضای بکر روستاها هستند؛ اما الزاماتی که کارشناسان برای دریافت یا تمديد مجوز وضع کرده‌اند، نه‌تنها با این روح ساده‌زیستی سازگار نیست؛ بلکه برای بسیاری از صاحبان اقامتگاه‌ها دست‌وپاگیر و غیرعملی است. الزاماتی مانند توری مش در آشپزخانه یا اتاقها، وجود کپسول آتش‌نشانی، سند مالکیت، بیمه مسئولیت مدنی و بیمه آتش‌سوزی، از جمله شرایطی هستند که اغلب مورد توجه و مطالبه مستقیم گردشگران نیستند، اما از سوی دستگاه‌های نظارتی به‌شدت پیگیری می‌شوند نتیجه این شرایط، انصراف بسیاری از متقاضیان از دریافت مجوز و عدم تمديد مجوز از سوی برخی دیگر است. این روند، زمینه را برای شکل‌گیری رقابتی ناسالم میان اقامتگاه‌های مجوزدار و خانه‌های اقامتی فاقد مجوز فراهم کرده است؛ رقابتی ناعادلانه که هر روز بر تعداد بازیگران غیررسمی آن افزوده می‌شود. متأسفانه در این میان، نهادهایی چون اداره امکن و میراث‌فرهنگی نیز واکنش مؤثری در برابر فعالیت‌های بدون مجوز نشان نمی‌دهند چالش دیگری که اقامتگاه‌های بومگردی با آن دست‌به‌گریبان‌اند، نبود همکاری مؤثر از سوی دهیاری‌هاست، باوجود ظرفیت‌ها و امکاناتی که در اختیار دهیاری‌هاست، گاهی شاهد عدم همراهی یا بی‌تفاوتی آن‌ها در قبال فعالیت اقامتگاه‌ها هستیم. حال آنکه اگر این همکاری شکل بگیرد، کیفیت خدمات اقامتگاه‌ها و سهم آن‌ها در توسعه گردشگری روستایی به شکل چشمگیری افزایش می‌یابد

رونق گردشگری روستایی می‌تواند نه‌تنها از مهاجرت روستاییان به شهرها جلوگیری کند، بلکه در مواردی موجب مهاجرت معکوس و بازگشت جوانان به روستاها شود. از این‌رو، وضعیت اقامتگاه‌های بومگردی تنها به‌عنوان یک مسئله صنفی مطرح نیست، بلکه دارای ابعاد گسترده اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که باید در سیاست‌گذاری‌های محلی و ملی مورد توجه ویژه قرار گیرد

رئیس جامعه انجمن‌های حرفه‌ای اقامتگاه‌های بومگردی ایران معتقد است: «مسئولان دم از محرومیت‌زدایی می‌زنند؛ اما کم‌حیایی که می‌تواند نیز تدوین شده است. به‌زودی این دستورالعمل ابلاغ می‌شود و ارزیابانی که درک صحیحی از بومگردی دارند در این حوزه اقدام خواهند کرد.» عبیری امیدوار است که در نتیجه این اقدامات، کیفیت بومگردی‌ها در یکی دو سال آینده افزایش چشمگیر داشته باشد

«**نبود زیرساخت و مشوق برای بومگردی‌ها** اما در این میان، نقش دولت و مجلس چیست؟

در حال حاضر، ۳۰-۴۰ نفر از کسانی که تجربه کار بومگردی داشته‌اند، دوره ارزیابی را گذرانده‌اند و دستورالعمل تخصصی در خصوص ارزیابی بومگردی‌ها نیز تدوین شده است. به‌زودی این دستورالعمل ابلاغ می‌شود و ارزیابانی که درک صحیحی از بومگردی دارند در این حوزه اقدام خواهند کرد.» عبیری امیدوار است که در نتیجه این اقدامات، کیفیت بومگردی‌ها در یکی دو سال آینده افزایش چشمگیر داشته باشد

«**نبود زیرساخت و مشوق برای بومگردی‌ها** اما در این میان، نقش دولت و مجلس چیست؟

آن‌گونه که احسان گلشن، فعال بومگردی در استان گلستان، نیز تشریح می‌کند، از شکل‌گیری خوشه سار بومگردی حدود ۲۰ سال می‌گذرد و در این سال‌ها تلاش شده تا مفهوم درست و درک صحیحی از زندگی روستایی به گردشگران ارائه شود. صاحبان بومی اقامتگاه‌ها، تلاش کرده‌اند با زنده نگه‌داشتن پیشه‌های اجدادی، حفظ معماری روستایی، حفاظت از فرهنگ و خورده فرهنگ‌ها و... بوم خود را پاس بدارند

مسیری که فعالان باسابقه بومگردی طی کرده‌اند تا روز ۳۱ اردیبهشت را در تقویم به نام «روز بومگردی» ببیند، مسیری بسیار دشوار بوده؛ زنان و مردانی از جوامع بومی که سال‌ها با دست‌خالی برای کسب‌وکار خود جنگیده‌اند. حالا برخی از باسابقه‌ترین آن‌ها با ورشکستگی دست‌وپنجه نرم می‌کنند؛ برخی، اقامتگاه خود را واگذار کرده‌اند؛ برخی دیگر درگیر نبود زیرساخت‌های لازم برای پذیرایی از مهمانان هستند پشت‌صحنه چهره زیبای بومگردی، همین تراژدی‌هاست؛ اما باید امیدوار بود که همچنان فعالان بومگردی اصیل دست از مقاومت برای حفظ این کسب‌وکار بومی برندخواهند داشت

باورند که با یک نمای کاهگلی روی خانه‌ای نیمه‌کاره می‌تواند مدعی ساخت یک بومگردی باشند اما آیا نباید نظارتی بر کار بومگردی‌ها باشد تا مفهوم اصیل آن زیر سؤال نرود؟ رئیس جامعه انجمن‌های حرفه‌ای اقامتگاه‌های بومگردی ایران در این باره توضیح می‌دهد: «مشکلی که در سال‌های اخیر در خصوص نظارت و ارزیابی بومگردی‌ها داشته‌ایم، وجود ارزیاب‌های هتلی است. دستورالعمل‌های ارزیابی موجود، بومگردی‌ها را بر اساس استانداردهای هتلی می‌سنجند و این شیوه‌ای نادرست است، خوشبختانه



مکانی |



قلعه تیزوک

تأثیر چالش‌های اقتصادی و رکود گردشگری بر ماهیت بومگردی‌ها

مهاجرتی که دیگر معکوس نیست

بومگردی‌ها قرار بود راهی باشند برای بازگشت به ریشه‌ها و مهاجرت معکوس به روستاها و شهرهای کوچک اما رکود شدید گردشگری و مشکلات اقتصادی حالا این راه را به بن‌بست رسانده است



فرزانه قیادی |

روزنامه‌نگار

۶

آنها که در دهه ۹۰ پا به سفر بودند، خوب می‌دانند که خانه‌های بومگردی چه روندی را طی کردند و حالا کجا ایستاده‌اند. بومگردی‌ها رابویان قصبه‌های کمترشنیده‌شده بودند. قصبه‌هایی که خالق تجربه‌های تازه بودند. حالا هم همان نقش را دارند، همان حال را، اما با تفاوت‌هایی. بومگردی‌ها حالا به اعداد تبدیل شده‌اند؛ به آمارهایی که مدیران با آنها رزومه‌هایشان را پرپار کنند، استان‌ها با هم رقابت کنند و رشدی تصاعدی را جانشین آن رشد آرام و ارگانیکی کنند که روزگاری بخشی از ماهیت بومگردی‌ها بود. حالا برای برخی مدیران، گردشگری خلاصه شده در تعداد بومگردی‌های حوزه مدیریبتشان. حالا آن خانه‌های باصفا و قصبه‌های شنیدنی و تجربه‌های ناب، در حال تبدیل‌شدن به کمیتی هستند برای رقابت. با این‌همه، قصبه بسیاری از بومگردی‌ها همچنان شنیدنی است. قصبه شکل‌گیری‌شان، توسعه و رشدشان، تأثیرشان بر جامعه محلی و مسافران و دیوارهای پرپار «خاطره» که پر از نشانه‌هایی هستند که جهانی را یکجا در صلح کنار هم جمع کرده‌اند. بومگردی‌ها هنوز حرف‌های بسیاری دارند برای گفتن

در میان قصبه‌های این خانه‌های باصفا، روایت جوانانی را می‌شود شنید که از شهرهای بزرگ به روستاها برگشتند تا در اقامتگاه‌های بومگردی میزبان گردشگران داخلی و خارجی شوند و مروج فرهنگی باشند که با آن قد کشیده‌اند. هنوز هم هستند کسانی که در گذر روزگار نامراد همچنان ایستاده‌اند پای تصمیمشان و چراغ بومگردی را روشن نگه داشته‌اند. از «گیله‌بوم» و «تیشک» تا «نورخونه» و «تیزوک» اما گردشگری ایران اقتدر شرایط مطلوبی ندارد که کسانی بخواهند وارد این حلقه شوند و این راه را ادامه دهند و از کشورها و شهرهای دیگر به دیار اجدادی برگردند و چراغ خانه‌ای فراموش‌شده را روشن کنند. حالا بسیاری از جوانان به‌دنبال کمی ثبات و آرامش یک زندگی معمولی، رنج غربت را به جان می‌خرند و مفهوم «مهاجرت معکوس» جایی، در میان تاریخ همین چندسال اخیر ما، گم شده است

لُر روایت تیزوک و پیش‌بینی بی‌بی رباب

یکی از شنیدنی‌ترین قصبه‌ها در میان بومگردی‌های ماندگار ایران، قصبه قلعه‌ای است حوالی ایرکوه در یزد، قصبه‌ای که «علی امیدپناه» نقل می‌کند. قلعه «تیزوک» حالا دیگر برندی شده برای خودش و خیلی‌ها خانه بی‌بی رباب را در میان قلعه بلدند. قلعه نیمه‌متروکه بود که بی‌بی رباب به علی گفت: «من رضا دارم این خونه رو بدم به علی، چون ازم پرستاری کرده و ازش راضی‌ام.» خانه ماند برای

علی که آن شب به مادر بزرگش گفته بود: «حالا می‌خوای ببخشی خونه خشت‌وگلی می‌بخشی؟!» کی میاد تو این خونه؟!» بی‌بی رباب اما خیر داشت انگار از روزهای نیامده، که گفت: «صبر کن، از شیراز و تهران و اصفهان و از خارج یک زمانی میان تو این خونه» و آمدند. مهمانان خانه علی تا قبل از کرونا و تمام اتفاقات آن سال و بعد از آن، زیاد بودند و خانه رونق داشت. حالا اما سرای بی‌بی رباب هم مثل خیلی از خانه‌های دیگر بومگردی، چندان رونقی ندارد. اما علی قصدش ماندن و زنده کردن قلعه است که می‌گوید: «حتی اگر گردشگر هم نیاد من اینجا می‌مونم، اینجا رو دوست دارم و می‌خوام زندگی دوباره به قلعه برگرده.»

قلعه قاجاری تیزوک در ۱۲ کیلومتری شمال‌غرب شهرستان ایرکوه قرار گرفته و به نسبت بسیاری از قلعه‌های تاریخی وضعیت مناسب‌تری دارد و بخشی از خانه‌های آن همچنان دارای سکنه است. علی اواسط دهه ۹۰ به قلعه برگشت و خانه مادر بزرگش را تعمیر و تبدیل به اقامتگاه بومگردی کرد. پای مهمانان که به قلعه باز شد، دیگران هم آمدند و خانه‌های اجدادی یکی بعد از دیگری احیا شد. حالا او در گفت‌وگو با پیام ما می‌گوید: «دلم می‌خواد بقیه اهالی هم برگردن، خونه‌های متروک دوباره چون بگیرن و قلعه مثل گذشته پر از زندگی بشه.» امیدپناه درباره وضعیت قلعه نسبت به زمانی که او تصمیم به احیای آن گرفت، می‌گوید: «در مقایسه با سال اول، حالا شرایط بهتر شده. دو نفر از جوان‌ها برگشته‌اند و خانه مادر بزرگ‌هایشان را مرمت کرده‌اند. دو نفر دیگر هم مصالح ریخته‌اند تا کار بازسازی را شروع کنند. امیدوارم این کارها ادامه داشته باشد.» او درباره رکود گردشگری هم می‌گوید و اینکه تعداد مسافران به‌ویژه مهمانان خارجی کمتر شده، اما هنوز ایستادگی می‌کند و می‌گوید: «با همه این مشکلات، هیچ‌وقت فکر نکردم که اینجا رو تعطیل کنم. حتی اگه گردشگر نباشه، باز هم می‌مونم و هر کاری که از دستم بریاد برای قلعه و مردمش انجام می‌دم. این قلعه مال من نیست؛ یک بنای ثبت‌ملی‌شده است و متعلق به همه ایرانی‌ها. مثل خیلی از جاهای دیگه نیست که مالک خصوصی داشته باشه. یک بنای خاصه که شاید الان نتوانیم دیگه شبیه تیزوک رو بسازیم. حیفه که مثل سال‌های قبل دوباره خالی از سکنه بشه.» علی امیدپناه معتقد است: «اگه کسی حاضر به سرمایه‌گذاری برای مرمت و احیای قلعه بشه، اینجا رونق می‌گیره. من می‌تونم بخشی از کارها رو خودم انجام بدم، افراد متخصص زیادی هم می‌شناسم که حاضرن کمک کنن، اما بدون بودجه و سرمایه نمی‌شه قلعه رو احیا کرد. مسئولان



قلعه «تیزوک» حالا دیگر برندی شده

برای خودش و خیلی‌ها خانه بی‌بی رباب

را در میان قلعه بلدند. قلعه نیمه‌متروکه

بود که بی‌بی رباب به علی گفت: «من رضا

دارم این خونه رو بدم به علی، چون ازم

پرستاری کرده و ازش راضی‌ام.»

میراث‌فرهنگی هرسال قبل از عید سر می‌زنن، اما وقتی درباره نیازهای قلعه صحبت می‌کنیم، جواشون اینه که «بودجه نداریم» شورا و دهیاری هم وقتی بودجه‌ای بیاد، سهمی برای قلعه در نظر نمی‌گیرن و به وضعیتش رسیدگی نمی‌کنن.» کمتر قلعه‌ای در ایران شرایط تیزوک را دارد، قلعه‌ای با حدود ۱۰ هزار مترمربع مساحت، دیوار و باروهایش هنوز استوار و سالم است، حمام و مسجد و اصطبل دارد و حدود ۲۳ خانه در آن قرار دارد که تعدادی از آنها را جوانان تیزوک احیا کرده و تبدیل به اقامتگاه بومگردی کرده‌اند. تیزوک ساکنانی متعدد و دلسوز دارد که ریشه‌هایشان را می‌شناسند و با تمام سختی‌ها مانده‌اند که یاد اجدادشان را زنده کنند و حافظان قلعه باشند در روزگار تخریب و فراموشی. علی نماینده همین اهالی است که احترام خودنها احترام داشته باشن، خراب نشن. معتقدم مسافرایی که میان اینجا، بیشتر به‌خاطر حس اون آدم‌های قدیمی‌ه؛ ساده بودن، بی‌غل‌وغش بودن میان. انرژی مثبت اون‌هاست که قلعه رو زنده نگه داشته.»

او می‌داند که حفاظت از قلعه، مهمترین وظیفه‌ای است که وارثانش دارند: «چون اینجا فقط خشت‌وگل نیست، خاطره است، ریشه است…» اما آنها که باید قدر این سرمایه‌های اجتماعی را بدانند، نمی‌دانند دلسرد کردن آدم‌ها چه خسران بزرگی است برای یک جامعه. شاید اگر می‌دانستند، علی امیدپناه و بسیاری از کسانی که مثل او برای گردشگری و میراث فرهنگی این کشور ایستاده‌اند و با تمام سختی‌ها امیدوار مانده‌اند، حالا از شرایط راضی‌تر بودند. نمی‌دانم اگر بی‌بی رباب این روزهای ما را دیده بود و خبر داشت از آنچه از سر می‌گذرانیم، چه پیش‌بینی‌هایی برایشان داشت با آن دل ساده و نگاه زلالش.

گزارش



ایران |

چرا بیمه‌ها نمی‌توانند خسارات بومگردی‌ها را پوشش دهند؟

بیمه‌های بی‌اثر



اصدف سرداری |

روزنامه‌نگار

اواخر آذرماه پارسال شعله‌ها به‌سرعت به کبرهای اقامتگاه «کاشکیلو» رسید. دیررسیدن آتش‌نشانی و مشکلات در سیستم اطلاع‌رسانی به نهادهای امدادی باعث شد خساراتی سنگین و نزدیک به دو میلیارد برای این اقامتگاه بومگردی شهدا باقی‌ماند که هنوز هم زخم‌های آن در بر همان پاشنه می‌چرخد. «سرور اسکندری»، مدیر کاشکیلو، درباره پیگیری‌هایش برای پرداخت خسارت از سوی بیمه به «پیام‌ما» می‌گوید هنوز بعد از گذشت ماه‌ها به‌دلیل قوانین بیمه نتوانسته خسارت وارده‌ش را دریافت کند. موضوعی که بار دیگر ضرورت بازنگری و تقویت پوشش‌های بیمه‌ای اقامتگاه‌های بومگردی را مطرح می‌کند و این پرسش را پیش می‌آورد که چرا چارچوب بیمه‌ها متناسب با فضای اقامتگاه‌ها نیست؟

۱۳ دقیقه کافی بود تا آتش به‌سرعت به اتاق‌های «کاشکیلو» که از درخت نخل ساخته شده بود، برسد. آتش‌سوزی از یکی از اتاق‌ها شروع شده بود. یکی از کبرها با کپسول آتش‌نشانی اقامتگاه خاموش شد، اما سرعت گسترش آتش به‌اندازه‌ای بود که کپسول‌های اقامتگاه توان کنترل آن را نداشتند. آتش‌سوزی خسارات مالی سنگینی به اقامتگاه وارد کرد. به‌گفته اسکندری، بخش

سنتی اقامتگاه که اتاق‌های کبری مجهز و تخته‌های چوبی ساخته‌شده از گز شهداد و چنار سیرج داشتند و ساخت آنها هزینه بالایی در برداشت، کاملاً خاکستر شدند. بااین‌حال، خوشبختانه هیچ‌یک از مهمان‌های این اقامتگاه آسیب ندیده بودند

سال گذشته مدیر کاشکیلو گفته بود:

«اقامتگاه بیمه آتش‌سوزی دارد، امیدواریم طبق قرارداد بیمه در تعیین خسارت به این

چتر منفعتی برای خودشان است: «به همین دلیل، به‌دنبال بهانه‌هایی هستند تا بیمه‌شوند را از گرفتن حق بیمه منصرف کنند. به‌نظرم مشکل تمام اقامتگاه‌ها این است که زمانی که به‌دنبال گرفتن خسارت هستند به شما می‌گویند باید آن زمان با مبلغ بیشتری بیمه می‌کردید. این درصورتی‌است در زمان بیمه کردن اقامتگاه چنین مشاوره‌ای را نمی‌دهند.» او توضیح می‌دهد که کبر یک سازه سنتی است، اما بیمه این را نمی‌پذیرد: «می‌گویند در قرارداد ما کبر نیست. این درحالی‌است که اقامتگاه‌های بومگردی این منطقه با کبر تعریف می‌شوند.»

به او گفته شده که کبر و فضای آزاد جزو قرارداد نبوده: «فضای آزاد یعنی چه؟ یک ساختمان وقتی خراب می‌شود، جای آن می‌شود فضای آزاد. ما که در فضای آزاد نبودیم، ساختمان داشتیم. اما نمی‌پذیرند و فقط گفته می‌شود در قرارداد نبود. درست هم می‌گویند. قانون آنها خلأ ندارد، اما در مشاوره هنگام بیمه‌شدن خلأ وجود دارد. ما که چنین چیزی را نمی‌دانستیم.»

به‌اعتقاد اسکندری، راهکار این است در تقاضنامه‌ای که با وزارت میراث‌فرهنگی می‌بندند، گفته شود با وضعیت موجود اقامتگاه بیمه شود؛ زیرا اقامتگاه‌ها معمولاً خانه‌های قدیمی هستند یا سازه‌های سنتی دارند

او می‌گوید چنین مشکلاتی باعث دلسردشدن مدیران اقامتگاه‌ها می‌شود: «موضوع دیگر این است که دیگر توان شروع دوباره نداریم. زمانی که نزدیک به دو میلیارد خسارت دیده‌ایم و گفته می‌شود شاید نهایتاً ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون داده شود، دیگر توان دوباره بلندشدن داریم؟! این موضوع در درازمدت انگیزها را کم می‌کند.»

لُر بیمه‌ای که فقط برای تمدید مجوز به کار می‌آید

تمام اقامتگاه‌ها در کشور باید بیمه آتش‌سوزی داشته باشند. هنگام تمدید مجوز، یکی از نکات مهمی که بر آن تأکید می‌شود، داشتن این بیمه است. علاوه‌براین، در زمان ارزیابی، توجه به اصول ایمنی مانند تجهیز اقامتگاه به کپسول آتش‌نشانی و دیگر وسایل ضروری برای مقابله با حریق، ضروری است. درصورتی‌که این شرایط رعایت نشود، تمدید یا صدور مجوز ممکن نخواهد بود. مدیر «کاشکیلو» هم به این موضوع اشاره می‌کند که بیمه صرفاً یک رفع تکلیف برای اقامتگاه‌ها برای تمدید مجوزشان است و باید متن بیمه برای گرفتن مجوز بازگذاری شود

«فرحناز اسماعیلیان»، رئیس انجمن اقامتگاه‌های بومگردی کرمان، نیز در گفت‌وگو با «پیام‌ما» گفته‌های مدیر «کاشکیلو» را تأیید می‌کند و از قوانین بیمه می‌گوید: «بیمه قوانینی را گذاشته که اموالی که در حیاط قرار دارند، مشمول بیمه نمی‌شوند. حتی مصالح بومی مثل آلاچیق‌ها هم بیمه نمی‌شوند. زمانی که اقامتگاهی را می‌خواهند بیمه کنند، باید در نظر بگیرند این اقامتگاه دارای قدمت است و اتفاقاً قدمت آن موضوع مهم بیمه باید باشد.» به‌گفته اسماعیلیان، سقف خانه‌ها اکثراً با مصالح سنتی است و این امکان وجود ندارد تا به یک سقف صنعتی تبدیل شود: «حتی سیستم اطفای حریق در یک خانه مانند یک هتل نیست. اما اینجا جزو مواردی است که زمانی بیمه‌ای بخواهد خسارت پرداخت کند، به این موارد توجه می‌کند و درنهایت یک ایراد می‌گیرند. مثلاً می‌گویند چرا سیم‌کشی روکار بوده؟»

او معتقد است بیمه باید در نظر بگیرد که چنین بیمه‌ای برای اقامتگاه است و باید شرایط آن در نظر گرفته شود: «اقامتگاه را براساس مبلغ بیمه می‌کنند، اما هنگام پرداخت حق بیمه براساس اجناس، بیمه می‌کنند. ولی هنگام پرداخت خسارت مثلاً می‌گویند فرشی که داخل اقامتگاه بوده و سوخته، اهمیتی ندارد. اما این توضیحات لازم را هنگام قرارداد ارائه نمی‌دهند. اقامتگاه‌ها هم برای دریافت مجوز ناچارند که بیمه باشند.»

او درباره وظیفه وزارت میراث‌فرهنگی دراین‌باره توضیح می‌دهد: «باید بیمه‌های خاصی برای اقامتگاه‌های بومگردی تدوین و در آن به همه این نکات توجه شود تا هم بیمه‌گذار و هم بیمه‌گر متضرر نشوند. برای مثال، بیمه‌گذار باید بداند که دارد یک خانه قدیمی را بیمه می‌کند نه اینکه هنگام پرداخت گفته شود اقامتگاه باید استانداردهای یک ساختمان صفر را داشته باشد، اما هنگام بیمه‌کردن قیمت خانه را در نظر بگیرند. البته ناگفته نماند که در فرم‌هایشان هم نوشته شده که سقف‌های غیرایمن و چوبی مشمول بیمه نمی‌شوند و فقط بناهای ساختمانی بیمه می‌شوند.»

رئیس انجمن اقامتگاه‌های بومگردی کرمان می‌گوید اقامتگاه‌ها مطابق با اقلیم منطقه ساخته می‌شوند: «در کویر نمی‌توان یک ساختمان آجری برای اقامتگاه ساخت. باید هم برای زیبایی و خنک‌بودن و هم برای نشان دادن اقلیم آن منطقه به‌شکل سنتی ساخته شود. پس باید بیمه مناسب این نوع اقامتگاه‌ها وجود داشته باشد.»

لُر نبود صندوق حمایت از کسب‌وکار

اسماعیلیان همچنین توضیح می‌دهد که صندوق حمایت از کسب‌وکار وجود ندارد: «به همین دلیل، ناچاریم سراغ بانک‌ها برویم. اما زمان وام گرفتن دچار چالش‌هایی می‌شویم که عملاً دریافت آن ممکن نیست یا گفته می‌شود مشمول اقامتگاه نمی‌شود.» او اشاره می‌کند که برای مثال، به فردی که دچار خسارت‌شده گفته می‌شود که از



رئیس انجمن اقامتگاه‌های

بومگردی کرمان: باید بیمه‌های

خاصی برای اقامتگاه‌های

بومگردی تدوین شود که در آن

به همه این نکات توجه شود تا

هم بیمه‌گذار و هم بیمه‌گر متضرر

نشوند

تسهیلات تبصره ۱۸ گردشگری استفاده کند: «اما این قانون برای کسانی است که می‌خواهند اقامتگاه «تأسیس» کنند، اما فردی که خسارت‌دیده نمی‌خواهد اقامتگاه تأسیس کند و می‌خواهد آن را دوباره راه‌اندازی کند.»

نکته دیگری که او به آن اشاره می‌کند، این است که حتی درصورت دریافت این وام، پول به صاحب اقامتگاه داده نمی‌شود: «مبلغ به فروشنده‌ای داده می‌شود که می‌خواهد از آن خرید کند. مثلاً شیشه و فرش مشمول مواردی نمی‌شود که بانک هزینه آن را می‌دهد. درواقع، باید یک کالای سرمایه‌ای ماندگار باشد.» به‌گفته او، عملاً گوناگوهایی در این مسیر است که فرد را از دریافت وام منصرف می‌کند

با وجود تلاش‌های مداوم اقامتگاه‌های بومگردی برای فراهم کردن فضایی ایمن برای مسافران، وقوع حوادث غیرمنتظره همیشه ممکن است. بنابراین، پیش‌بینی و برنامه‌ریزی برای چنین حوادثی پیش از وقوع، موضوعی ضروری است. با اتخاذ تدابیر ایمنی مناسب و تقویت سیستم‌های بیمه‌ای، می‌توان میزان خسارت را به حداقل رساند و راه‌های جبران آسیب‌ها را هموار کرد. چنین موضوعی نیازمند همکاری بیشتر بین اقامتگاه‌ها و شرکت‌های بیمه است تا هم بروز مشکلات جدی جلوگیری و هم امنیت گردشگران و سرمایه‌گذاران حفظ شود

رئیس هیئت‌مدیره انجمن صنفی دفاتر مسافرتی و جهانگردی ایران از چالش‌های نیازهای بومگردی می‌گوید:

ضرورت بازنگری در سیاست‌گذاری دولت



مریم کاظمی‌زاده
روزنامه‌نگار

در دنیای امروز، سفر به روستاها و زندگی بومگردی به یک انتخاب جذاب و متفاوت برای گردشگران تبدیل شده است. بومگردی فرصتی است تا مسافران در دل طبیعت غوطه‌ور شوند، از فرهنگ‌ها و آداب و رسوم محلی بیاموزند و دنیایی از تجربه‌های اصیل و متفاوت را با خود به خانه ببرند. اما این سؤال برای بسیاری از فعالان حوزه گردشگری کشور مطرح است: آیا ما در ایران قادر به پاسخگویی به این نیازهای جدید هستیم؟ برای یافتن پاسخ، به سرگ «حرم‌الله رفیعی»، رئیس هیئت‌مدیره انجمن صنفی دفاتر مسافرتی و جهانگردی، ایران رفتیم. او در گفتگو با «پیام» به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های موجود در بومگردی پرداخت و مشکلات و چالش‌های پیش روی بخش خصوصی در صنعت گردشگری را مورد بحث قرار داد.

ک: در سال‌های اخیر، استقبال از تورهایی که اقامتشان در اقامتگاه‌های بومگردی است، چقدر تغییر کرده است؟ و اصولاً گردشگرانی که در این تورها شرکت می‌کنند، به دنبال تجربه زندگی روستایی و آرامش اند یا به دنبال تفریح؟

دالته گردشگر امروز متفاوت است، توریست‌ها تمایلی بیشتری به سفرهایی ماجراجویانه دارند. مثلاً در کشورهای مختلف تور آپشال رودخانه‌نوردی، یا اصطلاحاً رفینگ و حرکت از رودخانه وحشی است. این به دلیل میل افراد به تجربه‌های جدید است. دیگر هتل پنج‌ستاره برای توریست‌ها آمو و آرزو نیست، سال‌ها پیش، یکسری توریست اروپایی در منطقه‌ای از شیراز گم می‌شوند و با یک مرد روستایی روبه‌رو می‌شوند، آن مرد عباس بزرگ است که به آنها اسکان می‌دهد. از دام‌ها شیر می‌دوشد و صبحانه روستایی می‌دهد. توریست‌ها استقبال می‌کنند و عباس بزرگ تبدیل به یک اقامتگاه‌دار می‌شود که بسیار مورد استقبال قرار می‌گیرد. بومگردی، عاملی برای عرضه آداب و رسوم، فرهنگ، معماری و... هستند. اقامتگاه‌های بومگردی در لرستان، زاهدان و خراسان از لحاظ معماری و فرهنگ و برخورد با گردشگران متفاوت‌اند.

امتیاز اقامتگاه‌های بومگردی در پذیرایی از گردشگران این است که آنها را با فرهنگ و آداب رسوم اقوام مختلف آشنا می‌کند و این موضوع برای گردشگران جذابیت بسیار بالایی دارد و با حداقل امکانات با کیفیت‌ترین پذیرایی را از توریست‌ها به‌عمل می‌آورند. اقامتگاه‌های بومگردی بدون هیچ باری بر گرده مردم و دولت، بدون استفاده از وام‌های کلان، بدون استفاده از تسهیلات ویژه، بار بسیار بزرگی از صنعت گردشگری را به دوش می‌کشند و باید از آنها حمایت کرد. در آمار اخیر دولت در مورد گردشگری داخلی، درصد بالایی از اقامت مردم در چادرهای مسافرتی بود، من معتقدم که این عدد را نمی‌توان جزو آمار درآمدزایی گردشگری دانست. اقامتگاه‌های بومگردی به‌عنوان یک میانجی بین اقامت در چادر و هتل، می‌تواند عاملی برای توسعه گردشگری باشد. حجم بالای مسافران داخلی که در چادر اقامت کرده‌اند، باید به اقامتگاه‌های بومگردی هدایت می‌شدند و این نیاز به هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی دارد.

ک: آیا سرفه مناطق روستایی و اقامت گردشگران در اقامتگاه‌های بومگردی، می‌تواند منجر به تصاد فرهنگی شود؟

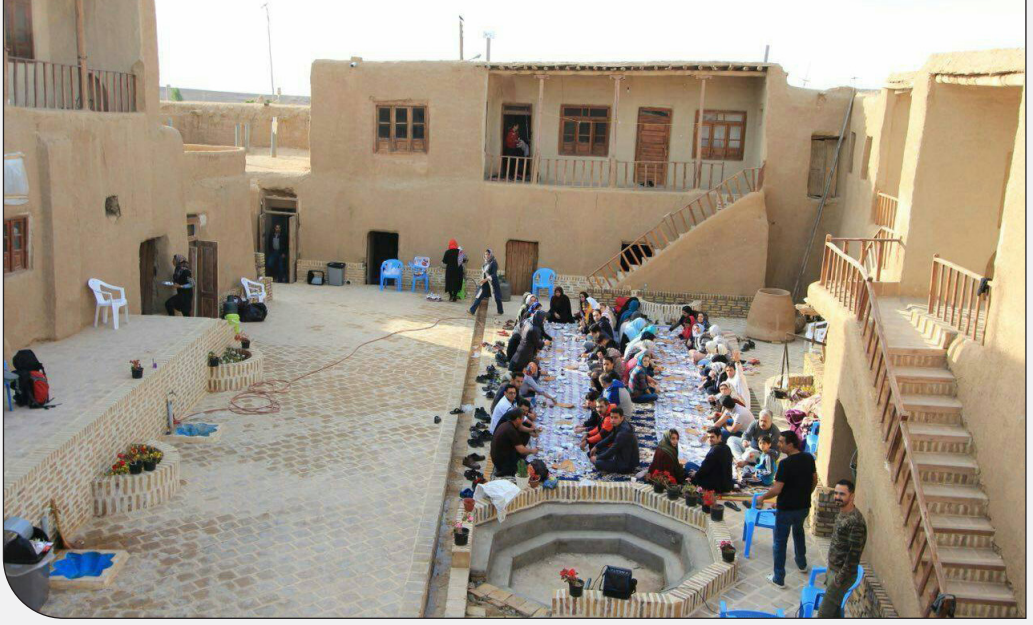
نمونه‌هایی از اقدامات و تصمیم‌گیری‌های بخش دولتی درباره صنعت گردشگری است. تنها باره‌ای که برای رشد و پیشرفت این صنعت وجود دارد، بخش خصوصی است. نمونه مشهود و بارز آن نمایشگاه گردشگری است. شما غرفه‌ها و فعالیت‌ها و گزارش‌های تخصصی بخش خصوصی و دولتی را در نمایشگاه با هم مقایسه کنید، متوجه تفاوت این دو می‌شوید. نمایشگاه گردشگری یک نمایشگاه تخصصی و حرفه‌ای است، محل عقد قرارداد است، اما شرایط دیگری در نمایشگاه حاکم می‌شود؛ چون مسئولان دولتی فکر می‌کنند تصدی‌گری یعنی اینکه بر همه چیز مسلط باشند و اجازه حرکت به بقیه بخش‌ها ندهند. اینجا عامل ایجاد شکاف عمیق بین بخش خصوصی و دولتی است. تا دولت دست از کنترل گردشگری بر ندارد و آن را به بخش خصوصی واگذار نکند، همچنان شاهد این مشکلات هستیم.

در برنامه ششم، ۲۰ میلیون گردشگر و برای برنامه هفتم ۱۵ میلیون گردشگر پیش‌بینی شد، یعنی پنج میلیون عقب‌گرد داشتیم. دولت می‌خواهد همه‌چیز را در دست داشته باشد. آیین‌نامه‌های تشکلهای خصوصی را در جلاستی بدون حضور نماینده‌های بخش خصوصی به تصویب رساندند، در صورتی که این اصلاً وظیفه دولت نیست. تشکلهای مربوط به بخش خصوصی است؛ چرا آیین‌نامه‌ها را دولت باید بنویسد؟ وظیفه دولت و نیروهای خود را حفظ کنند، وام با بهره به آژانس‌ها و بخش خصوصی خصوصی باشند، چون بخش خصوصی فعالیت‌ها را سریع‌تر و بهتر پیگیری می‌کند. فعالیت‌های دولتی، کندتر و غیرحرفه‌ای‌تر است، چون تخصص کمتری دارند.

دولت بدین‌ترتیب دارد بار سنگینی بر گردن ما می‌گذارد که اجازه حرکت و پیشرفت به ما نمی‌دهد. در بحث حمل‌ونقل هم همین مسئله تکرار می‌شود. در همه‌جای دنیا حمل‌ونقل معاف از مالیات است، اما دولت برای پرواز از ما مالیات می‌گیرد. درحالی که هواپیما فقط نیم‌ساعت در آسمان ایران است، دولت مالیات کل پرواز را هم از ما می‌گیرد. بنابراین، مبلغ بلیط هواپیما زیاد می‌شود. یعنی ایرلاین‌های خارجی می‌گویند وقتی مالیات پرواز را از مسافر می‌گیرید و دوباره از ما هم مالیات می‌گیرید، پس قیمت بلیط باید گران‌تر شود. البته اگر از سامانه هواپیمایی خود ایرلاین‌ها بلیط را بخری، بسیار ارزتر می‌شود؛ اما باید با دلار به‌صورت نقدی بخریم که سخت است. نتیجه این امر می‌شود تورم در کشور. کسانی که این تصمیمات اشتباه را می‌گیرند، به کشور خیانت می‌کنند. این مصوبات باید در مجلس رسیدگی شود. این تصمیمات نباید دولتی باشد، باید در دست بخش خصوصی باشد.

بزرگترین چالش ما با دوایر دولتی است، مالیات سنگینی که به ارکان گردشگری تحمیل می‌کنند، درگیری بخش‌هایی مثل اقامتگاه‌ها با بیمه، دوایر مختلف شهرداری، دهیاری و... مسائل و درگیری بخش‌های مختلف گردشگری است که روند کار را برای فعالین گردشگری سخت می‌کند. اگر دولت بتواند این عزم را خود به‌وجود آورد تا جلوی این روندهای غیرضروری و مضر را بگیرد، گام مؤثری در جهت رشد صنعت برداشته است. موضوع دیگر، دخالت دوایر مختلف دولتی در ایجاد اقامتگاه برای کارکنان خود هستند، با این ادعا که دارند در چرخه صنعت و به‌نفع گردشگری فعالیت می‌کنند، اما کاری که می‌کنند دخالت در این امر است. مثلاً وزارت آموزش و پرورش با ایجاد اقامتگاه‌هایی برای کارکنان خود در کار اقامتگاه‌ها، اختلال ایجاد می‌کند یا مثلاً در نوروز مسافران را در مدارس اسکان می‌دهد. وقتی اقامتگاه‌ها با قیمت‌های مناسب خالی‌اند، چرا آموزش و پرورش باید در این کار دخالت کند؟ این کار درآمد بخش گردشگری را کاهش می‌دهد. دولت جدید وزیر گردشگری در مصاحبه‌های خود بارها به واگذاری اختیارات دولت در گردشگری به بخش خصوصی صحبت کرده، اما هنوز هیچ اقدام مؤثری صورت نگرفته است. دولت صدور مجوز را حاکمیتی می‌داند، قیمت‌گذاری را حاکمیتی می‌داند، نظارت را حاکمیتی می‌داند. بازرسی‌ها را هم حاکمیتی می‌داند. دیگر کدام گزینه برای خصوصی‌سازی می‌ماند؟ هرچند منتوی بودن در این امور برای ما اهمیتی ندارد، ما فقط می‌خواهیم روند کارمان رشد یابد. کار ما تورگردانی است، فقط می‌خواهیم موانع از جلوی رهامان کنار برود.

آیین‌نامه تشکلهای خصوصی را دولت نوشته است. تشکلهای مربوط به بخش خصوصی است؛ چرا آیین‌نامه‌ها را دولت باید بنویسد؟ وظیفه دولت نظارت مرتبط اعم از رئیس‌جمهور، معاون اول، وزیر و معاون وزیر، در جلسات متعدد درباره مشکلات و موانع در رشد گردشگری صحبت کرده‌ام؛ آنها هم فقط شنیده‌اند و دریغ از یک خط نامه به دفاتری که‌گرفتاری‌های ما را در پیشبرد کرده صنعت ندارند. از جمله مطالبات ما از دولت کاهش مالیات بالایی است که بر بخش گردشگری تحمیل شده است. در دنیا، حمل‌ونقل و گردشگری معاف از مالیات هستند. من به رئیس‌جمهور، وزیر اقتصاد و دارایی و رئیس اداره دارایی و مالیات نامه نوشتم که مبلغی که به‌عنوان مالیات از آژانس‌ها گرفته می‌شود، از کل مبلغ تور محاسبه می‌شود، درحالی که آژانس‌ها درآمدشان تنها به‌صورت کارمزدی از کل مبلغ تور است که البته کارمزد هم معاف از مالیات است؛ یعنی باید از درآمدشان مالیات کسر شود نه از کل مبلغ تور که شامل قیمت دیگر خدمات است. در سامانه‌های که برای ثبت درآمد و محاسبه مالیات وجود دارد، امکان ثبت درآمد کارمزد آژانس‌ها وجود ندارد، یعنی دولت مالیات را از هتل می‌گیرد و دوباره کل مبلغ تور که شامل هزینه هتل است را دوباره از آژانس‌ها می‌گیرد و این اجحاف در حق بخش خصوصی است.



تصویر: پویا

گزارش

ایستادن زنان میان سنت‌ها و باورها



ریحانه حیدری
روزنامه‌نگار

از خانه‌های خشتی تا روزی زنانه

در سال‌های اخیر، اقامتگاه‌های بومگردی به‌ویژه اقامتگاه‌های تحت مدیریت زنان، به نقطه‌عطفی در صنعت گردشگری ایران تبدیل شده‌اند. در این میان، زنان مدیر این اقامتگاه‌ها با ابتکار و تلاش بی‌وقفه، نه‌تنها به احیای فرهنگ محلی و سنت‌های بومی پرداخته‌اند، بلکه کارآفرینی و ایجاد فرصت‌های شغلی برای دیگر زنان را نیز تسهیل کرده‌اند. به‌عنوان مثال، در دل روستای سلین در اورامان خانوادگی اقامتگاه بومگردی دایر کرده‌اند و مادر خانواده به‌همراه فرزندان آن را اداره می‌کنند. اتاق‌های این اقامتگاه با نمادهایی از انار و میخک که از محصولات محلی این منطقه و کار دست زنان است، تزئین شده‌اند. همچنین، فضایی برای پوشیدن لباس کردی و گرفتن عکس فراهم شده است تا هر کدام از مسافران بتوانند لباس کردی بپوشند و عکس بگیرند.

باین‌حال، با ورود بیماری کرونا، صنف گردشگری با چالش‌های بی‌شماری روبه‌رو شد. بانوان مدیر این اقامتگاه‌ها نیز در این دوران با مشکلات خاص خود مانند کاهش شدید گردشگران و نگرانی‌های مالی مواجه شدند. اما با وجود این موانع، بسیاری از آنها به تلاش و همت خود ادامه دادند و به‌تدریج موفق شدند به رونق نسبی پیشین بازگردند.

ک: چالش‌های اقتصادی و اجتماعی

براساس گزارش مرکز آمار ایران در بهار سال ۱۴۰۲ نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران ۱۴.۱ درصد است، درحالی‌که این رقم برای مردان ۶۸.۳ درصد می‌رسد. این شکاف نشان‌دهنده محدودیت‌های موجود برای زنان در حوزه‌های اقتصادی از جمله بومگردی است. هرچند داده‌های دقیق و به‌روزی درباره تعداد اقامتگاه‌های بومگردی تحت مدیریت زنان در ایران در دسترس نیست، اما می‌توان به وضوح تأثیر مثبت این اقامتگاه‌ها را بر فرایند توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان مطالعه کرد. استان‌های خراسان‌رضوی، یزد و خراسان‌شمالی به‌عنوان مناطقی با نرخ مشارکت بالایی زنان در فعالیت‌های اقتصادی شناخته شده‌اند. در این مناطق، به‌نظر می‌رسد تعداد بیشتری از اقامتگاه‌های بومگردی تحت مدیریت زنان قرار دارند و این -به‌نوبه خود- تأثیر مثبتی بر رونق گردشگری و اقتصاد محلی دارد. مقاله‌ای که در پایگاه اینترنتی سیویلیکا در سال ۱۳۹۸ منتشر شد، نشان می‌داد اقامتگاه‌های بومگردی به‌طور خاص در توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی مؤثر بوده‌اند و فرصت‌های شغلی جدیدی برای آنها ایجاد کرده‌اند.

ک: اعتمادسازی مسیرمان را هموار کرد

«رضیه قادری»، مدیر بومگردی بیراهه، در گفتگو

با خبرنگار «پیام»، درباره تجربه خودش از تأسیس این اقامتگاه می‌گوید: «در این مسیر چالش‌های خیلی زیادی داشتم. آن زمان حدوداً ۲۲ ساله بودم که این روستا را دیدم و اهالی روستا خیلی باور نداشتند کاری راه بیندازند؛ به‌قول خودشان، قابل‌باور نبود که یک مشت خاک بتواند آنقدر جذاب باشد که مردمان بیرون از اینجا حاضر شوند چند شبی را اینجا بمانند و لذت ببرند. حتی برخی از مسافران ما آدم‌های دیگر از کشورهای دیگر هم هستند.»

او با اشاره به چالش‌هایی که در این مسیر گذرانده است، می‌گوید: «از طرف دیگر اینکه من یک دختر بودم و امکانات شهر را رها کردم و به یک روستایی رفتم که هیچ امکانات خاصی ندارد. محلی‌ها می‌گفتند چطور یک دختر شهر و زندگی شهری را رها می‌کنی و به اینجا می‌آیی؟ ما خودمان فراری هستیم. همان روزها و ماه‌های اول نگاه درستی نسبت به من نداشتند؛ فکر می‌کردند از خانواده‌ام رانده شده‌ام که به‌سمت این روستا آمدم.»

مدیر اقامتگاه بومگردی بیراهه عنوان می‌کند: «زمان زیادی برد تا مردم به من اعتماد کردند. رفته‌رفته می‌آمدند و می‌دیدند که ما داریم چه کاری انجام می‌دهیم و کم‌کم خانه‌های خودشان را با الگو برداری از ما مرمت کردند. دیدشان عوض شد؛ حالا آنها هم در این مسیر قرار گرفته‌اند. من ازدواج کردم و بچه‌دار شده‌ام و همین مسئله

ک: گامی بلند در مسیر توانمندسازی زنان

در سال‌های اخیر اقامتگاه‌های بومگردی به رونق رسیدند و دوباره بعد از سال‌های کرونا مردم از آنها استقبال می‌کنند. این اقامتگاه‌ها چه تحت مدیریت مستقیم زنان و چه با مشارکت همراهات هستند یا بر علیه‌ت. او اضافه می‌کند: «البته برخی از مردم اینجا هم هستند که با ما همکاری می‌کنند؛ اما چالش‌های زیادی در این مسیر داریم و امیدوارم در ادامه راه مسیر هموارتری داشته باشیم.»

علاوه‌براین، صنوف دیگر هم رزق‌روزی خودشان را از این راه به‌دست می‌آورند؛ مثلاً لبنیات‌فروشی، سوپرمارکت و... با مسافران مسئله‌ای نداریم و حتی در برخی از موارد مثل پوشش یا ما همکاری می‌کنند. اما مردمان بومی یا همراهات هستند یا بر علیه‌ت. او اضافه می‌کند: «البته برخی از مردم اینجا هم هستند که با ما همکاری می‌کنند؛ اما چالش‌های زیادی در این مسیر داریم و امیدوارم در ادامه راه مسیر هموارتری داشته باشیم.»



تصویر: پویا چشمه

ضمیمه روزنامه پیام ما

روزنامه سیاسی - اجتماعی
 صاحب امتیاز و مدیرمسئول:
 روح‌الله خدیژی
 چاپ: صمیم ۶۵۵۸۶۸۰۱ - ۰۲۱

سرمدیر: فاطمه علی‌اصغر
 دبیر ویژه‌نامه‌ها: شبنم شکوریان
 مدیر هنری: تیوا صمدیان
 عکس: یاسر خدیژی (دبیر)
 بازرگانی و فروش: محمد زز

همکاران: فرزانه قبادی، مهتاب جودکی، ریحانه حیدری، پرستو فخاریان، مریم کاظمی‌زاده و صدف سرداری
 ویراستار: فرح ابوطالبی
 آدرس: تهران، خیابان شریعتی، ابتدای شهید بهشتی، پلاک ۱۲، طبقه اول | تلفن: ۰۲۱ - ۴۲۱۹۱۰
 @payamema @payamema ۰۹۰۳ ۳۳۳ ۸۴۹۴
 www.payamema.ir



ایران | ۱۴۰۳

وقتی مزه‌ها راوی فرهنگ می‌شوند

گردشگری با چاشنی محلی

از نان داغ تنورهای روستاها تا عطر دل‌انگیز سبزی‌های کوهی، در دنیای گردشگری غذا هر لقمه به‌مثابه پلی است میان مسافر و میزبان

گردشگری غذا ابعادی از تجربیات فرهنگی را ارائه می‌دهد که با بومگردی ادغام می‌شود. در اقامتگاه‌های محلی، مسافران فرصت دارند تا در فضایی طبیعی و اصیل با فرهنگ‌ها و غذاهای محلی آشنا شوند و تجربیات غنی‌تری از سبک زندگی و عادات غذایی جوامع مختلف به دست آورند. بومگردی، با تأکید بر حفظ میراث فرهنگی و طبیعی، به گردشگران این امکان را می‌دهد که نه‌تنها غذاهای محلی را بچشند بلکه در فرآیند تهیه آن‌ها نیز مشارکت کنند. این تعامل به ایجاد ارتباط عمیق‌تری با فرهنگ مقصد منجر می‌شود و مسافران را به مشاهده و درک عادات و سنت‌های غذایی آن جامعه ترغیب می‌کند. رستانه‌ها در این میان، نقش مهمی ایفا می‌کنند. با افزایش محبوبیت شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های دیجیتال، زیبایی‌شناسی غذا به یک موضوع جذاب و قابل اشتراک‌گذاری تبدیل شده است. مردم به شکل و ظاهر غذا توجه بیشتری دارند و این موضوع به ترویج فرهنگ غذایی و اشتراک آن بین کشورها کمک می‌کند.



اشکان بروج | کارشناس گردشگری

چالش‌های نوین در دنیای بومگردی

حفظ هویت در تلاقی سنت و مدرنیته

پیام ما- در دنیای امروز، بومگردی به‌عنوان تجربه‌ای منحصربه‌فرد و عمیق از ارتباط با طبیعت و فرهنگ محلی شناخته می‌شود. یکی از جنبه‌های اساسی بومگردی که نیازمند توجه ویژه است، گردشگری خوراک است. غذا نه‌تنها ابزاری برای سیرکردن شکم، بلکه آینه‌های از فرهنگ و سنت‌های یک منطقه به شمار می‌آید. در ایران، با تاریخ غنی و تنوع اقلیمی بی‌نظیر، این موضوع اهمیت دوچندان می‌یابد. معرفی غذاهای محلی در بومگردی‌ها می‌تواند به حفظ هویت فرهنگی ارتقای کشاورزی پایدار و ایجاد درآمدزایی برای جوامع محلی کمک کند. همچنین، گردشگری خوراک فرصتی است برای گردشگران تا از طریق غذا به عمق فرهنگ و آداب‌ورسوم محلی پی ببرند و تجربه‌های فراموش‌نشده‌ای را به دست آورند. با این حال، برخی چالش‌ها نیز وجود دارد که می‌تواند این ظرفیت را تهدید کند. نبود زیرساخت‌های استاندارد برای ارائه خدمات مناسب به گردشگران، مانند رستوران‌های محلی و اقامتگاه‌هایی که فرهنگ و غذاهای منطقه را به‌درستی معرفی کنند، از جمله این مشکلات است. همچنین، کاهش توجه به مواد اولیه سنتی و محلی که نقش کلیدی در اصالت غذاها ایفا می‌کند، می‌تواند به‌تدریج این میراث غنی را تحت‌تأثیر قرار دهد.

ایران با پیشینه چند هزارساله در حوزه خوراک، از غذاهایی مانند فسنجان (با قدمت ۲۵۰۰ سال) و آش شله‌قلمکار (مرتبط با دوره‌های اولیه تاریخی) تا نان‌های هفت غله و عرقیات گیاهی، میراثی غنی دارد. این غذاها نه‌تنها نیازهای تغذیه‌ای، بلکه بازتابی از باورهای مذهبی، اقلیم، و سبک زندگی جوامع محلی هستند. احمد تمیم‌داری، استاد گروه ادبیات فارسی در دانشگاه علامه طباطبائی درباره رابطه خوراک و ادبیات می‌گوید: «خوراک در ادبیات و فرهنگ ایران جایگاهی ویژه دارد؛ از آداب مهمان‌نوازی در قابوس‌نامه تا اشعار ابوسعحاق اطعمه شیرازی که به ۳۰ نوع آش و خورش اشاره کرده است.» یکی از راهکارهای کلیدی در توسعه گردشگری خوراک، تجربه‌سازی برای گردشگران است. مشارکت در چندین محصولات از مزه‌ها در استان گیلان یا یادگیری روش‌های سنتی پخت غذا می‌تواند تجربه‌ای فراتر از سیرکردن شکم ارائه دهد. سروش پرهامی، صاحب اقامتگاه پرهامی شیراز در این باره می‌گوید: «گردشگری خوراک باید شامل داستان‌ها و میراث‌های پشت غذاها نیز باشد و از طرف سنتی استفاده کند.» موفقیت کشورهای دیگر در معرفی غذاهای ملی‌شان مانند ترکیه با کباب و باقلوا می‌تواند الگویی الهام‌بخش برای ایران باشد. این الگوها نشان می‌دهند که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از فرهنگ غذایی و تجارب محلی، گردشگران را جذب کرد و به رونق اقتصادی دست یافت. با این حال، چالش‌هایی نیز وجود دارند که می‌توانند اصالت این صنعت را تهدید کنند. جایگزینی مواد اولیه سنتی با محصولات کارخانه‌ای، مانند پنیرهای صنعتی، طعم‌های اصیل غذاها را کم‌رنگ کرده و این موضوع در نهایت می‌تواند کیفیت غذا را تحت‌تأثیر قرار دهد. جلال زواره، مربی آشپزی در این باره می‌گوید: «با استفاده از مواد کارخانه‌ای نمی‌توان طعم منحصربه‌فردی را ارائه کرد.» علاوه بر این، تبلیغات غیرحرفه‌ای و تأثیر اینفلوئنسرهای غیرمتخصص، اعتماد عمومی را کاهش داده است. سیمین تقفی، فعال گردشگری بر این نکته تأکید می‌کند که بسیاری از این تبلیغات به دلیل رانت‌های تجاری، کیفیت واقعی غذا را نادیده می‌گیرند. نبود زیرساخت‌های لازم یکی دیگر از چالش‌های موجود است. ناهماهنگی میان نهادهای مختلف برای صدور مجوز به غذاهای خیابانی و مدیریت زباله‌های گردشگری در اقامتگاه‌های بومگردی، مسائلی هستند که نیاز به توجه جدی دارند. برای حل این چالش‌ها، احیای مواد اولیه سنتی و

مختلف، همچون ژاپن، ویتنام، فرانسه و ایتالیا نیز در جذب گردشگر بسیار مؤثر است

برگزاری تورهای خلاق خوراک نیز از راه‌حل‌های دیگر برای جذب گردشگر است. در این تورها، گردشگران به مقاصد مختلف می‌روند و مواد اولیه را خریداری کرده و بر اساس طرز تهیه مشخص، غذا را با استفاده از ظروف سنتی و سفره‌آرایی متعلق به فرهنگ کشور مقصد تهیه می‌کنند. علاوه بر این، گاهی اوقات در خلال این تورها، گفتگوهای درباره قصه‌های مرتبط با خوراک‌های مختلف در فرهنگ آن کشور نیز صورت می‌گیرد

شهرهای رشت و کرمانشاه به‌عنوان شهرهای خلاق خوراک در ایران ثبت جهانی شده‌اند. در رشت، ۳۷۰ نوع غذا ثبت شده، اما در حال حاضر کمتر از ۲۰ نوع غذا در رستوران‌ها عرضه می‌شود و منوهای مشترک و کم‌خلاقیتی وجود دارد. در کشور ما، عرقیات باکیفیت بالا تهیه می‌شود، اما متأسفانه بر روی آن کار نکرده و آن را به‌درستی معرفی نکرده‌ایم. به‌عنوان مثال، آرزانتین مراسمی به نام «مات‌خور» دارد که آداب‌ورسوم خاص و متنوعی را شامل می‌شود. ماته نوعی چای سبز است که در کاسه چوبی و بر اساس آداب خاصی سرو می‌شود. گردشگری خوراک، سه عامل مهم دارد: غذا، فضا و صاحب مجموعه. تعامل صاحب مجموعه با مخاطب، این سه تجربه را شکل می‌دهد. هر یک از فعالین این حوزه به یکی از این عوامل تمرکز می‌کنند؛ برخی بر غذا، برخی بر دکوراسیون و فضاسازی و برخی دیگر، مانند رستوران‌های کردای، بر نحوه سرو و چگونگی طبخ تمرکز دارند تا مخاطب را درگیر کرده و سرگرمی ایجاد کنند. برخی از رستوران‌های زنجیره‌ای در سطح جهانی نیز بر روی عامل سوم تأکید دارند؛ کارکنان این رستوران‌ها با مشتریان دیالوگ و ارتباط برقرار می‌کنند، به‌طوری‌که غذاهای آن‌ها در هم‌جا یک طعم یکسان دارند. ما باید از پتانسیل‌های خود مانند نوروز و ماه رمضان برای معرفی و تبلیغ غذا، نوشیدنی و شیرینی‌های خود استفاده کنیم و به مخاطب تجربه‌ای جذاب ارائه دهیم. نمایشگاه گردشگری ما فرصتی است برای ارائه پتانسیل‌های گردشگری خوراک، به‌ویژه برای شهرهای خلاق خوراک، مثل رشت و کرمانشاه.

در مورد اینفلوئنسرها و بلاگرها باید توجه بیشتری داشته باشیم، زیرا هر کدام از آن‌ها کاربرد و تعریف مشخصی دارند. صرفاً این که کسی غذایی را جلوی دوربین امتحان کند، او را به تیستر یا بلاگر غذا تبدیل نمی‌کند. این یک علم است و افراد باید بتوانند مزه‌ها را بشناسند و طعم‌شناسی کنند. در حال حاضر، در ایران اکثر این

رویدادهای جمعی غذا، مانند نذری‌بزی، تهیه غذا به‌صورت جمعی و خانوادگی، و جشنواره‌های غذایی، نقش فرهنگی غذا را بیشتر نمایان می‌سازد. غذا می‌تواند به‌عنوان یک رسانه، ارزش‌های فرهنگی و تجربیات مشترک در جامعه را منتقل کند. من اولین بار با ابتکار هشتگ شکم‌گردی به دنیای گردشگری خوراک وارد شدم. در این راستا با افراد خاص در این زمینه مصاحبه می‌کردم و به روستاها می‌رفتم تا درباره غذاهای محلی بنویسم و عکاسی کنم. پیش‌ازاین کمتر به موضوع غذا پرداخته شده بود، از جمله چگونگی تهیه آن‌ها و داستان‌های پشت غذاها. به‌تدریج این مطالب وارد نشریه «سرزمین من» شد و ما در دو جبهه آنلاین و آفلاین فعالیت کردیم. گروهی بزرگ از علاقه‌مندان به سفر و خوراک تشکیل دادیم و به ادامه این فعالیت پرداختیم. تا سال ۹۰ که با شاخه‌های دیگر مرتبط با گردشگری خوراک، از جمله گردشگری gastronomy و culinary آشنا شدم؛ این حوزه‌ها به بررسی عمیق‌تری از طرز تهیه غذاها می‌پردازند

بسته‌های رسانه‌ای تأثیر قابل‌توجهی بر تغییر ذائقه و علاقه مردم به غذاها دارند. در حال حاضر، در بسیاری از نان‌روشی‌های ما نان‌های ترکیه‌ای به چشم می‌خورد. این موضوع به دلیل فعالیت‌های گسترده ترک‌ها در سینما و تأکید آن‌ها بر تبلیغ فضاهای گردشگری و غذایشان است

آشنی‌های ترکیبی امروزه در سطح جهانی طرفداران زیادی دارد و بسیاری از کشورها، غذاهای محلی خود را با توجه به ذائقه مورد علاقه مردم تغییر می‌دهند. با این حال، باید مراقب بود که طعم و هویت غذاهای اصلی از بین نرود

برگزاری جشنواره‌های غذایی به معرفی غذاها، عادات غذایی و نحوه سرو آن‌ها در سراسر دنیا کمک می‌کند. کشورهایی مانند آلمان، تایلند و آمریکا جشنواره‌های غذایی بسیار خوبی را برگزار می‌کنند. پلنقرم‌های دیجیتال نیز نقش بسزایی در انتشار و ترویج فرهنگ‌های مثبت و منفی غذایی دارند. به‌ویژه در جشنواره‌ها، کشور مبدأ می‌تواند غذاهای محلی خود را در کشور مقصد تبلیغ کند. گردشگری خوراک شامل طیف‌های متنوعی است. یکی از این ابعاد، رفتن به مقاصد مختلف برای امتحان طعم‌های جدید در کشورهای مختلف است. کالیفرنیا به معنای درست‌کردن و تجربه‌کردن شیوه‌های مختلف غذاهای کشورهای مقصد و مشارکت گردشگر در تهیه خوراک است و اینجا است که گردشگری خلاق شروع می‌شود. برگزاری فستیوال‌های غذایی در کشورهای

افراد تنها به خوردن غذا و بیان تعریف‌های بی‌پایه برای تبلیغ مشغول‌اند. بسیاری از آن‌ها بدون داشتن نگرش کارشناسی، صرفاً به دلیل داشتن فالوورهای بالا، پول‌های کلانی دریافت می‌کنند و کیفیت پرايشان اهمیتی ندارد. مخاطب باید آگاه باشد که نباید به تبلیغات این اینفلوئنسرهای نامعتبر توجه کند. در عوض، عده‌ای وجود دارند که به‌صورت حرفه‌ای عمل می‌کنند، اما تعداد آن‌ها کم است

گاهی اوقات، برخی افراد در یک گروه قرار می‌گیرند و بر اساس مسائل مالی، یک برند یا رستوران را تبلیغ می‌کنند. به همین دلیل ما ممکن است فکر کنیم که چون تعداد این افراد زیاد است، تبلیغ آن‌ها نشان‌دهنده کیفیت بالا است، اما این الزامات درست نیست. گاهی این تبلیغ‌ها ناشی از رانت و کارگرومی تجاری هستند. دنیای امروز ما به‌شدت بر پایه ارتباطات انسانی بنا شده و تکنولوژی نمی‌تواند جای آن را بگیرد. هرچند تکنولوژی در حال پیشرفت است، اما هیچ چیز نمی‌تواند تجربه خوراک را جایگزین کند و ما باید بر این تجربه تکیه کنیم

متأسفانه، ما از پتانسیل‌های خود به‌خوبی استفاده نمی‌کنیم. بسیاری از کشورهای مسلمان در ماه رمضان فستیوال‌های غذایی برای افطار برپا می‌کنند و غذاهای متنوعی را در سفره‌های افطار معرفی می‌کنند. اما ما از سنت‌های خود فاصله گرفته‌ایم

گردشگری خوراک می‌تواند منجر به ایجاد شغل و افزایش درآمد در کشورها شود و همچنین تبادل فرهنگی را تسهیل کند و به مسیر رسیدن به گردشگری پایدار کمک کند. باوجود تنوع غذایی که در مناطق مختلف و در بین اقوام داریم، ما فضای مناسب برای ارائه و ترویج آن‌ها نداریم. به‌عنوان مثال، در کشورهای دیگر، مانند مالزی، موزه‌های غذایی وجود دارد که انواع غذاهای بومی را برای گردشگران سرو می‌کنند و فضایی تعاملی برای بازدیدکنندگان ایجاد می‌کنند



برگزاری تورهای خلاق خوراک نیز از راه‌حل‌های دیگر برای جذب گردشگر است. گاهی اوقات در خلال این تورها، گفتگوهای درباره قصه‌های مرتبط با خوراک‌های مختلف در فرهنگ کشور مقصد نیز صورت می‌گیرد.



آگهی فراخوان ۱۴۰۳/۱۰۹۹

شرکت توسعه آهن و فولاد گل‌گهر در نظر دارد از طریق فراخوان عمومی نسبت به شناسایی مشاورین ذی صلاح جهت " ارائه خدمات مشاوره، مهندسی و نظارت بر پروژه های زیرساخت و عمرانی و طرح جامع " خود اقدام نماید.

- متقاضیان می توانند جهت دریافت اسناد فراخوان از طریق:

- سایت اینترنتی شرکت به آدرس WWW.GISDCO.COM بخش مزایده ها و مناقصه ها اقدام نمایند.

- نشانی محل تحویل پاکت های فراخوان:

۱- دفتر کارخانه: سیرجان، کیلومتر ۵۰ جاده شیراز، کیلومتر ۵ جاده اختصاصی معدن گل‌گهر، کد پستی ۷۸۱۷۹۹۷۳۸-دبیرخانه کمیسین معاملات تلفن: ۰۳۴-۳۱۲۹۴۰۷۶

۲- دفتر تهران: میدان آرزانتین، خیابان الوند، خیابان سی و یکم غربی، پلاک ۲۲، کد پستی ۱۵۱۶۴۶۱۱-تلفن: ۰۴-۸۸۱۹۷۶۷۰-۰۲۱-۸۸۱۹۹۴۰۳

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره های ۰۳۴-۳۱۲۹۴۰۷۶ و ۰۹۱۳۱۷۸۷۰۴۷ و آدرس ایمیل a.heidari@gisdco.ir بنام آقای حیدری نسب در روزهای شنبه الی چهارشنبه در ساعات اداری تماس حاصل فرمایید.

شایان ذکر است به پیشنهادهایی که دارای شرایط مشخص شده در فراخوان نبوده و همچنین خارج از زمان و مکان مقرر ارسال گردند، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

- آخرین مهلت ارسال مدارک: ۱۴۰۳/۰۳/۱۷



شرکت توسعه آهن و فولاد گل‌گهر
 GOLGOHAR IRON & STEEL DEVELOPMENT CO.
 دبیرخانه کمیسین معاملات

آگهی اصلاحی شرکت

آگهی اصلاحی شرکت با مسئولیت محدود اندیشگران جامع صنعت ایرانیان به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۸۶۹۴۱۲ و به شماره ثبت ۲۲۶۱۲ به استناد صورت‌جلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۱۷ تصمیات ذیل اتخاذ شد برابر با شماره مکانیزه ۱۳۸-۱۴۰۳۰۴۳۱۲۳۶۰۰ چاپ شده در روزنامه رسمی مقرر گردید باتوجه‌به اینکه شماره ملی آقای حسام شمسعلی اشتباه درج شده بود عبارت (کلیه اسناد و اوراق بهادار بانکی از قبیل چک سفته بروات و قراردادها و عقود اسلامی و نامه‌های عادی و اداری با امضای آقای حسام شمسعلی به شماره ملی ۰۰۶۹۶۸۷۳۰۷ همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد) به شرح فوق اصلاح گردید .

شناسه آگهی: ۱۹۳۵۰۳۸

اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان البرز اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری کرج